

**برترین خواننده دهه هشتاد**

**بررسی فیلم های جشنواره فجر  
طنزواره**

**فیلم ماه: جاذبه**

**یک نفر در آب دارد می سپارد جان!  
شبکه های اجتماعی**

**وهابیت**

**فیلمساز ماه: کریستوفر نولان**





## فهرست

۳	فرصت تقدیمتان باد!.....
۴	جشنواره فجر در ایستگاه ۳۲.....
۸	پرونده بررسی فیلم "جاذبه".....
۱۱	اسکار.....
۱۳	پرونده بررسی فیلم "تلقین".....
۱۶	"کریستوفر نولان".....
۱۹	رویاهایی که می آیند.....
۲۱	مقاله آموزشی سینما.....
۲۳	از گوشه و کنار دنیای تصویر.....
۲۵	"فاطمه ، فاطمه است".....
۲۶	سبک های موسیقی.....
۲۷	نوای آسمانی!.....
۳۰	یک نفر در آب دارد می سپارد جان!.....
۳۳	طنزواره.....
۳۴	"مشتاقی و مهجوری".....
۳۵	دوستان دیروز، همسران امروز!.....
۳۶	شبکه های اجتماعی، درگاهی به سوی آینده.....
۳۷	کشف ذهنیات.....
۳۹	"نامیرا".....
۴۰	وحدت رمز پیروزی.....
۴۱	وهابیت.....
۴۳	کتاب مقدس.....
۴۵	بزرگترین درد اجتماع.....
۴۶	مهدویت.....



جامعه اسلامی دانشجویان  
دانشگاه صنعتی قم

صاحب امتیاز : جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی قم

مدیر مسئول: رضا معتمدی

سردبیر: آرمین رزم دیده

گرافیسیت: سرکار خانم زابلی نژاد

هیئت تحریریه: آرمین رزم دیده، سعید زابلی نژاد، محمد چیت ساز، محمد اسحاق حقانی، شهاب گل محمدی، مرتضی خواجه محمود آباد، محمد علی باقری مهر، امین فیاضی، حامد ملکی، احسان محاسب، سید محمد رضا حسینی و مرکز مشاوره ی دانشگاه

## "فرصت" تقدیمتان باد!

سر دبیر

همواره یکی از دغدغه های سرمقاله نویسان عدم اقبال مخاطبان به متن هایشان به جهت ملال آور بودنش است و بنده هم از این مشغله فارغ نبوده و نیستم. زین جهت سعی کردم در حد بضاعتم سرمقاله ای متفاوت بنگارم که هم مبدا رنج تکراری بودن را بر شما روا سازم و هم تقدیر و ستایش و تشکر خویش را نثار همه ی "دوستان فرصتی ام" نمایم.

آنچه تقدیمتان می گردد تلاش چند ده روزه ی بیش از پانزده نفر از دانشجویان دغدغه مند دانشگاه بی هیاوو و نه چندان صنعتی قم (!) بوده است که بی هیچ چشم داشتی در این دنیای به هیچ انگاشته شدن ها - که هر فعالیتی جز در راستای مادیات را تعبیر به سرخوشی و بیکاری می کنند! - سعی بر بروز و ترویج افکاری از سنخ ایرانی و اسلامی اش در بعد فرهنگ و هنر داشته اند و تبلور این اندیشه ها و قلم ها را در "فرصت" تجلی داده اند.

بر خود وظیفه می دانم که در ابتدا در پاسخ به زحمات همکارانم سپاس قلبی خود را بی هیچ اغراق و مبالغه ای و در نهایت تواضع تقدیمشان نمایم که هم در تک تک لحظاتی که در محضرشان بودم مرا بنده ی خویش ساختند و کلاس درسی برابم بود و هم مرا به عنوان یک همکار پذیرفتند؛ سعید زابلی نژاد که حضورش همواره برابم محبت بوده است و فیض و خوشی و خدا می داند که به چه اندازه دوست می دارمش، مرتضی خواجه محمود آباد که همراهیش موجب دلگرمی ام بوده و هست، محمد علی باقری مهر دوست و رفیق قدیمی ام، محمد چیت ساز عزیز که اشتیاقش را می ستایم، سید محمد رضا حسینی که همواره نوشته هایش را به ما ارزانی داده، احسان محاسب که برابم که مهندس الگو بوده است، احمد حاتمی که در اکثر لحظات فرصتی ام در کنارم بوده، محمد اسحاق حقانی که امیدوارم شرمنده زحماتش نشده باشم، حامد ملکی دوست داشتنی که زحمت زیادی برای تک مطلبش کشید، شهاب گل محمدی که هنوز فرصت گفتگو با او را نیافته ام، امین فیاضی که مشتاق دیدارش هستم، جلال براتی عزیز، حمید رضا منتظر قایم و سپهر دانایی که نتوانستم نوشته هایشان را در بین مطالب جای دهم، رضا معتمدی دوست همیشگی ام، مهندس نصیری مشاور ارزشمند دانشگاه و گرافیست محترم خانم زابلی نژاد.

و سپس بهترین درودها و پررنگ ترین تقدیرها که از اعماق وجودمان پر می گشاید را به شما سروران و مخاطبان دو ساله ی فرصت هدیه می دهیم که امیدوارم چندین ماه دوری - که دلیل اصلی اش مشکلات مالی بود نه کم لطفی ما - را بر ما خرده نگرفته باشید (که اگر گرفته باشید باز هم نشانه ی لطف شماست!) و هم چنان خواهان "فرصت" و "فرصتبان" باشید.

امیدوارم و آرزو می کنم لحظاتی که برای مطالعه ی دست نوشته های عبور کرده از خاطمان صرف می کنید به حساب عمرتان ننویسند و این "فرصت" پیشکش را از ما بپذیرید.

برگ سبزی ست تحفه ی درویش  
چه کند بی نوا ندارد بیش

گواری وجودتان!



## جشنواره فجر در ایستگاه ۳۲



### سعید زابلی نژاد

هر سال در روزهای نزدیک به دهه فجر انقلاب اسلامی، جشنواره های هنری نظیر تئاتر فجر، شعر فجر و ... برگزار می شوند که معروف ترین و پر استقبال ترین آن ها جشنواره فیلم فجر است. در واقع این مراسم آغاز سال جدید سینمایی ایران به حساب می آید که در آن ظرف مدت ده روز تمام محصولات مهم سینمایی کشور که قرار است سال آینده اکران شوند، به نمایش درآمده و با یکدیگر به رقابت می پردازند. به همین دلیل می توان آن را یک ویتترین تمام نما از تولیدات داخلی دانست که بستر مناسبی را برای صاحب نظران و اهالی رسانه فراهم می کند تا با یک نگاه جامع به بررسی مسیر پیش روی هر ساله سینمای کشور بنگرند.

در جشنواره امسال مسئله ای که بیشتر از هر چیز علاقه مندان به سینما را هیجان زده می کرد حضور نام های بزرگ و آشنا بود. کارگردانان اسم و رسم داری همچون داریوش مهرجویی، مسعود کیمیایی، ابراهیم حاتمی کیا، بهروز افخمی، کیومرث پور

آنها می شد نگاه نو و استعداد های جدید و تا حدی امیدوار کننده را دید. فیلم های خوب و قابل توجهی مثل "شیار ۱۴۳"، "خط ویژه"، "چند متر مکعب عشق".

جشنواره امسال هم به سیاق سال گذشته در مراکز ۳۱ استان کشور با چند روز تاخیر نسبت به تهران برگزار شد. هرچند هنوز مشکلات زیادی در برنامه ریزی و کمبود هایی در اجرای این مراسم ها وجود دارد اما در هر صورت حرکت مثبتی است که جای تشکر دارد.

در ادامه چند سطری در باره فیلم هایی که نگارنده موفق به دیدنشان شده است می آید. فیلم های "چ"، "ملبورن"، "خط ویژه" و "زندگی مشترک آقا و خانوم محمودی" که البته این آخری خارج از بخش مسابقه بود. و در پایان هم می توانید لیست برگزیدگان را مشاهده کنید.

احمد، کمال تبریزی، رخشان بنی اعتماد، رضا میر کریمی و ... حضور نمایندگانی از تمام نسل های فیلم سازی پس از انقلاب در جشنواره اتفاقی بود که به ندرت شاهد آن بودیم.

البته آنچه در طی جشنواره گذشت نشان داد که نمی توان به این نام ها بسنده کرد! مسعود کیمیایی که با فیلم "متروپل" آمده بود داد منتقدان و حتی علاقه مندان به سینمایش را در آورد و برخی به حرمت قدمتش در سینمای ایران در اظهار نظر هایشان کوتاه آمدند. "اشباح" مهرجویی هر چند گفته می شد که بهتر از فیلم قبلی اش یعنی "چه خوبه که برگشتی" بود اما انتظارات از این کارگردان را برآورده نکرد. و فیلم کیومرث پور احمد که از میانه فیلم صدای خنده تماشاگران به نشانه تمسخر در سالن مخصوص اهالی رسانه شنیده می شد. و دیگر بزرگانی که در اندازه نام شان فیلم در خور توجه و رو به جلویی نداشتند.

اما از طرف دیگر حضور جوان تر ها و فیلم اولیها در جشنواره رنگ بوی تازه ای به فضا می بخشید و در برخی از نمونه های خوب



"ج"

اگر برای دیدن یک فیلم دفاع مقدس از حاتمی کیا به سینما می روید بدون شک تا حد قابل قبولی راضی خواهید شد اما اگر برای دیدن چمران در چ به سینما می روید، خیلی امیوار نباشید!

"چ" ماجرای دو روز از حضور شهید چمران در شهر پاوه برای مقابله با جدایی طلبان کرد را روایت می کند.

بستر داستانی فیلم بسیار گیرا و متناسب با شرایط روز جامعه و کشور است که می توان گفت از جمله آثار تاریخی موفق است که حرف برای امروز دارد.

فیلم در پرداخت قهرمانش یعنی شهید چمران قدری ضعیف عمل می کند و نمی تواند بر روی پرده بزرگ مردی را خلق کند که ما از دیگران شنیده و یا در کتاب ها خوانده ایم. علاوه بر شخصیت پردازی ناقص کاراکتر چمران، عرب نیا هم نتوانسته به خوبی این نقش را در بیاورد و با بازی تصنعی اش هیچ کمکی به عمیق شدن شخصیت نمی کند. هر چند فیلم ساختن درباره شخصیت چند وجهی ای همچون شهید چمران کار بسیار دشواریست و حتی غیر ممکن می نماید اما باز هم انتظار ما از ابراهیم حاتمی کیا برای گفتن از چمران خیلی بیشتر از اینها بود!

میزانسن های نمایشی و دیالوگ های آهنگین که این روز ها کمتر شمایل درستی از آنها را بر پرده سینما می بینیم در این آخرین ساخته حاتمی کیا همچنان به قوت خودش؛ مثل آثار گذشته وی؛ باقیست. که البته در بعضی مواقع هم به دام دیالوگ های شعاری افتاده است.

حاتمی کیا در خلق فضای خفقان و پر تنش جنگ در کردستان بسیار موفق عمل کرده است. او به خوبی از تمام امکانات برای بردن مخاطب به نزدیک به سه دهه پیش استفاده می کند و باید بگوییم که موفق هم می شود.

### "خط ویژه"

سومین اثر بلند سینمایی مصطفی کیایی که در کارنامه اش فیلم های کمدی "بعد از ظهر سگی سگی" و "ضد گلوله" را دارد. یک روایت جذاب و دوست داشتنی از دزدی چند جوان از یک آقا زاده (!) که با رابطه و رانت می خواهد مبلغ هنگفتی وام بگیرد. یک کمدی سر زنده که در دل خود نقد های تلخ و گزنده ای دارد!

دزد های جوان قصه نه آدم کشند، نه قاچاقی و نه یک هفت خط روزگار، چند جوان باهوش تحصیل کرده اند که به دلیل وجود

بی عدالتی های ساختاری و غیر ساختاری در جامعه نتوانستند به حق شان برسند.



خط اصلی داستان شاید تا حدودی تکراری به نظر بیاید اما با وجود شخصیت های متفاوت، فیلم متمایز از این دست آثار می شود. شوخی ها بسیار ظریف و به اندازه کار شده است و مانند اکثر آثار کمدی که پر از لحظات اغراق شده و با اداها و اطوار های زنده اند نیست.

هر چند حال و هوای فیلم از نیمه به بعد ما را به یاد سیاست های اقتصادی دولت نهم و دهم می اندازد اما از نوشتن درباره اش صرف نظر می کنم تا بدون پیش قضاوتی به تماشای فیلم بروید!





### "ملبورن"

یک نوع نگاه بومی دارد که به فیلم هایش هویت می بخشد. و هنر فیلمساز در این است که بدون اینکه مخاطب را پس بزند او را با نگاه خود همراه می کند.

اولین اثر بلند سینمایی نیما جاوید است. ملبورن داستان یک زن و شوهر جوان (پیمان معادی و نگار جواهریان) که قصد خروج از کشور را دارند است که دچار یک حادثه ناخواسته می شوند.

در باب مسائل فنی فیلم هم سخن بسیار است اما در این کوتاهه مجال پرداخت به آنها نیست و تنها به دیالوگ های عمیق و کنایی فیلم اشاره می کنم که هم تا حد زیادی پیش برنده سیر دراماتیک داستان است و هم به خوبی زوایای پنهان شخصیت ها را آشکار می کند.

اغلب جوان ترها دست به ساخت فیلم هایی به تقلید از سینمای اصغر فرهادی می زنند. "ملبورن" یک تقلید نصفه و نیمه است که حتی سینمای فرهادی را نیز به خوبی نشناخته است.

در این اثر با یک فیلمنامه عقیم طرفیم که

### "زندگی مشترک آقا و خانوم محمودی"

یکی از بهترین های جشنواره امسال که خارج از بخش مسابقه به نمایش درآمد. این فیلم را می توان ادامه اثر قبلی فیلمساز (زندگی خصوصی آقا و خانوم میم) دانست. که این بار از منظری دیگر و عمیق تر همان سوژه قبلی را دست مایه قرار داده است.

کارگردان در یک فرم منسجم و با نگاهی ریز بینانه به دوران گذر جامعه از سنت به مدرنیته و چالش های ملزومش پرداخته است.

پرداخت شخصیت ها درست و به اندازه است و در پس هر کدام از آنها می توان جهان بینی های متفاوت و موجود در جامعه را دید. محدثه (هنگامه قاضیانی) مادر خانواده است و نماینده سنت، منصور (حمید فرخ نژاد) که بخش عمده ای از جامعه های در حال گذر از جمله جامعه ما را شامل می شود نماینده کساناست که بین سنت و مدرنیته مانده اند و نه می توانند دل از جذابیت های مدرنیته بکنند و نه اینکه چشم به روی عقاید و سنت هایشان ببندند، رامتین (پیمان قاسم خانی) هم شبیه انسان های "مدرن شده" است، و شخصیت ساناز (ترانه علیدوستی) را تا حدودی می توان دارای یک نوع نگاه پست مدرن نصفه و نیمه دانست.

نکته قابل تاملی که در روایت های سید روح الله حجازی دیده می شود این است که وی





با یک اتفاق ملتهب آغاز می شود و در ادامه از حرکت می ایستد و نمی تواند چیزی به فیلم، داستان و شخصیت ها اضافه کند. فیلمساز نه به یک بحران در داستان و نه به یک چالش اخلاقی و نه به هیچ چیز دیگر نمی تواند برسد.

فیلم بلد نیست قصه بگوید و در خلق موقعیت و آدم هایش در می ماند. و حتی در بازی بازیگران هم نمی توان آنچه را که انتظار می رود دید.

در هر صورت اگر مشکل بی خوابی و یا کم خوابی دارید پیشنهاد می کنم این فیلم را در سینما تماشا کنید!

## لیست برگزیدگان جشنواره فیلم فجر ۳۲:

(بخش سودای سیمرغ)

سیمرغ بلورین بهترین فیلم: "آذر، شهدخت، پرویز و دیگران" (به تهیه کنندگی بهروز افخمی و سیدجمال ساداتیان) و "رستاخیز" (به تهیه کنندگی تقی علیقلی زاده)

سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی: احمدرضا درویش برای فیلم "رستاخیز"

سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه: بهروز افخمی برای فیلم "آذر، شهدخت، پرویز و دیگران"

سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن: مریلا زارعی برای فیلم "شیار ۱۴۳"



سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد: رضا عطاران برای فیلم "طبقه حساس"

سیمرغ بلورین بهترین فیلمبرداری: حسین جعفریان برای فیلم "رستاخیز"

سیمرغ بلورین بهترین تدوین: مهدی حسینی وند برای فیلم "چ"

سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن: استفان واربک برای فیلم "رستاخیز"  
دیپلم افتخار: کارن همایونفر برای فیلم "همه چیز برای فروش"

سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن: شبنم مقدمی برای فیلم "امروز"  
دیپلم افتخار: هنگامه حمیدزاده برای فیلم "اشباح" و ملیکا شریفی نیا برای فیلم "اشباح"

سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد: بابک حمیدیان برای فیلم های "چ" و "رستاخیز"  
دیپلم افتخار: میلاد کی مرام برای فیلم "خط ویژه"



سیمرغ بلورین بهترین صدای فیلم: بهمن اردلان و سیدعلیرضا علویان برای فیلم "چ"

سیمرغ بلورین بهترین طراحی صحنه و لباس: مجید میرفخرایی برای فیلم "رستاخیز" و شراره سروش برای فیلم "همه چیز برای فروش"

سیمرغ بلورین بهترین چهره پردازی: محسن موسوی برای فیلم "رستاخیز"

دیپلم افتخار: محسن دارسنج برای فیلم "همه چیز برای فروش"

سیمرغ بلورین بهترین جلوه های ویژه میدانی: حمیدرضا سلیمانی برای فیلم های "چ" و "رستاخیز"

سیمرغ بلورین بهترین جلوه های ویژه بصری: سیدهادی اسلامی برای فیلم "چ"

جایزه ویژه هیات داوران: نرگس آبیاری "شیار ۱۴۳" و حمید نعمت الله "آرایش غلیظ"

سیمرغ ویژه نگاه ملی: "چ" حاتمی کیا به تهیه کنندگی بنیاد سینمایی فارابی

سیمرغ بهترین فیلم از نگاه مردم: "شیار ۱۴۳" و "خط ویژه"





فیلم ماه:

## جاذبه

# GRAVITY

### حیرت انگیز اما ناخواسته

شهاب گل محمدی

بقای خویش ندارد و این چیزی است که اگر جلوه های بصری آن را پشتیبانی نمی کرد، بیشتر از یک فیلم متوسط نمی شد. دیالوگ های فیلم بسیار کم و کوتاه هستند. و این به خودی خود میتواند یک نکته مثبت در طول روایت داستان باشد. و با کمک جلوه های ویژه عالی توانسته حس تنهایی یک فضانورد به نام رایان استون با بازی تقریباً خوب ساندرایا بولاک در یک فضای بیکران را به نمایش بگذارد. در طول فیلم شخص دیگری به نام کوالسکی با بازی جرج کلونی، رایان را همراه می کند. اما آنقدری که از آن در طول پیش نمایش های قبل از فیلم یاد می شد و مورد تبلیغ قرار می گرفت در فیلم حضور ندارد. و شاید بیننده ای که برای دیدن فیلمی از جرج کلونی به تماشای این اثر بنشیند مقداری از شوق خود را از دست بدهد. شخصیت پردازی فیلم قابل قبول است. رایان استون دارای شخصیتی جدی، غیر مصمم و ترسو است. در مقابل او کوالسکی دارای شخصیتی شوخ و شجاع است و کارهایی غافلگیرانه از او سر می زند. اما فیلم به خوبی نمی تواند رابطه این دو نفر را به ما نشان دهد. و این دو کاراکتر در طول فیلم با یکدیگر هماهنگ نمی شوند. در کلام آخر باید بگویم که از دیدن این فیلم لذت بردم. چرا که توانست نمونه یک فیلم کاملاً مدرن و امروزی باشد.

نود دقیقه چشمانتان را به صفحه نمایش خیره می کنید، پلک زدن برایتان سخت می شود، از زمین و دغدغه هایش دور می شوید، تا به جایی خواهید رسید که در آن چیزی جز همان صفحه نمایش شما را جذب نخواهد کرد. "جاذبه" فیلمی است که می توان آن را زیباترین جلوه گاه آثار بصری در چند سال اخیر دانست. فیلمی که حتی مورد تحسین یکی از بزرگترین خالقان جلوه های ویژه و بصری، جیمز کامرون قرار گرفته است. امروزه سینمای هالیوود در استفاده از صنعت و تکنیک سه بعدی پیشتاز است. و از هر چند فیلم تولید شده می توان چندین نمونه فیلم ساخته شده با این تکنیک را یافت. اما بعد از تماشای آنها باید از خود پرسیم که آیا واقعا در این فیلم ها به این تکنولوژی نیاز بود؟ آیا از آن به درستی استفاده شد؟ آیا می توانستیم در بین این همه سکانه های پر زرق و برق حسی را پیدا کنیم که فکر نکنیم بتوانیم آن را در نسخه های دو بعدی پیدا کنیم؟ در مورد جاذبه باید بگویم بله! جاذبه اثری است که هر چه با کیفیت تر آن را تماشا کنیم بیشتر از آن لذت خواهیم برد. حال اگر از جلوه های بصری و ظاهری فیلم بگذریم به یک فیلمنامه خطی و داستان کاملاً روان برخورد خواهیم کرد. متأسفانه داستان فیلم چیزی جز تلاش یک فرد برای

درباره فیلم:

محصول سال ۲۰۱۳ که تا به امروز توانسته ۲۶۹ میلیون و ۲۴۸ هزار دلار در آمریکا و بیش از ۷۰۰ میلیون دلار در جهان فروش داشته باشد.

فیلمنامه و کارگردانی این اثر برعهده آلفانسو کوآرن کارگردان "فرزندان بشر" بوده و ستارگانی چون ساندرایا بولاک و جرج کلونی در آن به ایفای نقش می پردازند.

این فیلم با نامزدی در ۱۰ رشته سینمایی در جشنواره علوم و هنر تصاویر متحرک آمریکا (اسکار) از جمله سرشناس ترین فیلم های سال به شمار می رود و همچنین مورد تحسین بسیار از جانب منتقدین، مخاطبان و جشنواره های گوناگون اروپا و هالیوود قرار گرفته است.

نظر منتقدان:

کنت توران (امتیاز: ۱۰۰): جاذبه خارج از این دنیا است. کلمات خیلی کم می توانند شگفتی بصری خلق شده در این اپرای فضایی را منتقل کنند. این، فیلمی است که برای درست فهمیدنش، باید آن را به صورت سه بعدی در سالن سینما تماشا کنید.

رکس رید (امتیاز: ۷۵): جاذبه را به عنوان یک نمایش تجاری مفرح پاپ کورنی - و نه هیچ چیز دیگر - بپذیرید. آن گاه ناراضی از سالن خارج نخواهید شد.

## ترس و یاس یا امید و زندگی؟

محمد اسحاق حقانی

دو فضانورد رها شده در فضا، یک پایگاه فضایی نابود شده، هراس، مرگ و امید؛ این‌ها عناصر فیلم جدید آلفونسو کوآرون هستند. جاذبه از همان ابتدا با فروشی دور از انتظار و سپس استقبال گسترده منتقدان، مورد توجه دوستداران سینما قرار گرفت. هیچ‌گاه علاقه‌ای به فیلم‌های علمی-تخیلی از نوع فضایی‌اش نداشتیم. بررسی علل و ریشه‌های این دل‌زدگی‌مرا به نحوه حضور فضا و مسائل مرتبط با آن در سینما رساند. در طول تاریخ سینما فیلم‌های زیادی در رابطه با فضا، اکتشافات انسان، حیات در دیگر کرات و حضور موجودات فضایی در زمین وجود داشته است (حتی در دوران صامت). حضور موجودات فضایی در زمین و برخورد آن‌ها با انسان‌ها همواره درون مایه خوبی برای فیلمسازان بوده و نمونه‌های شاخصی هم در این رابطه وجود داشته است (ای.تی. اثر اسپیلبرگ و نشانه‌ها اثر ام نایت شیامالان). اما کمتر فیلمی بوده است که بتواند هم داستان خوبی را روایت کند، هم ته مایه انسان‌شناسی داشته باشد و هم از قابلیت مکانی فضا به خوبی استفاده کند. شاخص‌ترین فیلم تخیلی با محوریت داستانی در فضا و به طور کلی جهان بی‌کران، جنگ‌های ستاره‌ای (محصول ۱۹۷۷) است، اپرای فضایی جورج لوکاس هرچند آن سال به مدد تکنولوژی خارق‌العاده به کار

است. اثر شاخص دیگر، سه گانه بیگانه (که بعدها چند گانه شد) هم تنها از فضا برای ایجاد ترس و رعب بیشتر در دل مخاطب استفاده می‌کرد و البته باید اذعان کرد که به همت کارگردانان خوش ذوقش (ریدلی اسکات-جیمز کامرون-دیوید فینچر) در این امر موفق هم بوده است. اما جاذبه حقیقتاً چیز دیگری است. شروع فیلم اگرچه ناگهانی است اما تاثیر خود را بر مخاطب می‌گذارد و او را باخود همراه می‌کند. کوآرون در فیلم‌های خود تلخی‌ها و نامالایمات زندگی بشر را در قالب شخصیت‌ها به تصویر می‌کشد (حتی در هری پاتر که قابلیت انعطاف کمتری داشت) و جاذبه هم از این قاعده مستثنی نیست، شخصیت اصلی فیلم فردی است که نتوانسته (حداقل از دیدگاه خودش در اواسط فیلم) طعم خوش زندگی را بچشد. کارگردان از شخصیت اصلی فیلم استفاده نمادین می‌کند، نمایش احساسات انسانی و به خصوص ترس از دریچه نگاه دکتر استون (ساندرا بولاک) در فیلم دیدنی است، سکانس برخورد ذرات فضاپیماهای روسی با گروه فضانورد و سپس دور شدن دکتر از سایر افراد گروه و قطع ارتباط رادیویی و سپس نمای بسته از او یادآور ترس از تنهایی است. نگاه دکتر استون در صحنه‌ای که جسد یکی از همکارانش را می‌بیند ترس بشر از مرگ را یادآور می‌شود. اما تغییر نگاه دکتر و چرخش او از ناامیدی به امید در فیلم بسیار جالب است سکانس حیاتی

رفته در فیلم به شدت مورد توجه مردم و منتقدان قرار گرفت (نامزد بهترین فیلم و اسکار) اما پس از گذشت زمان، اکنون دیگر آن جذابیت اولیه را ندارد. اثری که می‌توان آن را داستان‌گویی محض نامید، و بردن اتفاقات به فضا هم تنها برای حماسی‌تر کردن و بزرگ‌تر کردن وقایع





## یک سفر عرفانی در ۵۰۰ کیلومتری از زمین!

سعید زابلی نژاد

پس از فیلم "۲۰۰۱، یک ادیسه فضایی" اثر خالق ژانر علمی-تخیلی در سینما یعنی استنلی کوبریک، فیلم های بسیاری در این ژانر ساخته شد. که البته آثاری غالباً اکشن بودند. اما حالا با ساخت شدن جاذبه می توانیم این فیلم را به عنوان ارتقا دهنده استاندارد های این ژانر به حساب آوریم. فیلم هنرمندانه ای که از دل تکنولوژی زاده شده است. خوشبختانه این کارگردان است که تصمیم می گیرد کجا و چگونه از این تکنولوژی استفاده کند نه این که در بند آن باشد و بدون توجه به اقتضاعات فیلم به ورطه اغراق بیافتد. بدون شک تماشای این فیلم تجربه ای متفاوت و لذت بخش را برایتان رقم خواهد زد، حتی اگر نتوانید آن را در سینمای آیمکس سه بعدی تماشا کنید! آلفونسو کوآرن در ایجاد فضای تعلیق، بی عیب و نقص عمل می کند. تعلیق هم به معنای القای حس معلق بودن در فضا و هم به معنای مصطلحش در سینما که نمی گذارد لحظه ای پای مخاطب به زمین برسد. و شما را به مدت نود دقیقه در جایتان میخ کوب می کند. او در این اثر به سمت فضایی معنوی و



روحانی رفته است که بسیار موفق تر از "زندگی پای" اثر آنگ لی، در سال قبل عمل می کند. اشاره های مستقیم او به المان های مذهبی و برخی اشاره های غیر مستقیم و کنایه ای، به فیلم رنگ و بویی عرفانی در قالبی نو بخشیده است. فیلم ناگهان با قطع موسیقی تیراژ در سکوت آغاز می شود و از همان ابتدا ما را وارد دنیای نا آشنایی می کند که به خوبی در سکانس-پلان افتتاحیه فیلم به مدت ۱۸ دقیقه با دوربینی سیال ما را با ابعاد مختلف آن آشنا می سازد. موقعیت و اتمسفر فیلم جاذبه چه به لحاظ بصری و چه به لحاظ داستانی به

خوبی دنیای شخصیت اصلی فیلم را به تصویر می کشد. زن فضانوردی به نام رایان که در گذشته دختر کوچکش را از دست داده است و این اتفاق زندگی را برایش متوقف کرده است. او سرگردان و بی هدف، یک زندگی یکنواخت را بر روی زمین داشته است. فیلم داستانی سر راست دارد که تلاش انسان برای زنده ماندن را روایت می کند. اما جاذبه به کمک جلوه های ویژه فوق العاده اش (به طوری که فراموش می کنیم به جز بازیگران تمام آنچه را که می بینیم غیر واقعیست) و همراهی موسیقی سحر کننده استیون پرایس، بستری می شود برای یک سفر عرفانی در فاصله ۵۰۰ کیلومتری از زمین! کارگردان مکزیکی به گونه ای کنایه سفر رایان را به تولد یک نوزاد تشبیه کرده است. در نمایی از فیلم بعد از آنکه متیو کوالسکی در فضا گم می شود و قهرمان فیلم تنها می شود. تصویر او را می بینیم که به حالت جنینی در میان پرتو های نور به خواب رفته است. که نشان از شکل گرفتن نطفه این تولد دارد. جلوتر و در لحظاتی ناب و روحانی پس از آنکه همه چراغ های امید رایان خاموش می شوند. فطرتاً به یاد نیرو هایی ورای عالم محسوسات می افتد و دعا می کند. که نقطه عطف مسیر تحول رایان به حساب می

آید. گرمای ایمان و باوری که از این اتفاق در دل او شکل می گیرد باعث می شود تا او انگیزه و قدرت لازم را برای بازگشت به زمین بدست آورد. نهایتاً در سکانس پایانی که رایان به زمین بازگشته است؛ در راه رفتنی استعاری، به مانند کودکی که برای اولین بار راه می رود، او را در منظره ای بکر می بینیم که می

تواند یاد آور شروعی دوباره برای او باشد. عموماً آثاری که از ایده های نو و جذابیت های بصری فوق العاده برخوردارند، دچار نقص ها و کمبود هایی در فیلم نامه و یا شخصیت پردازی می شوند. هر چند جاذبه تا حد قابل قبولی به این امور پرداخته است اما باز هم می توان گفت لطمه اصلی از همین جهت به فیلم وارد می شود. و باعث می شود حداقل برای اولین بار نتوانیم آنطور که باید به این دو شخصیت و بالاخص رایان نزدیک شویم. البته بازی نسبتاً قابل قبول بازیگران در پوشاندن این نقیصه کمک بسیاری کرده است.

(در حقیقت سقوط) به زمین به شدت یادآور پایان خوش موجود در فیلم های جریان اصلی هالیوود است. باید دید آکادمی از این اثر تقدیر میکند یا به سرنوشتی شبیه به فیلم اسپیلبرگ (که قافیه بهترین فیلم را به فیلم زنگینامه ای گاندی باخت) دچار می شود.

## تجربه گردش در فضا

امین فیاضی

جاذبه فیلم متفاوتیست از آن جهت که تنها از دو بازیگر تشکیل شده است؛ داستانی ساده و یک خطی دارد؛ و دیالوگ محور نیز نیست. با این همه فیلم به مدت نود دقیقه بیننده را نگه میدارد. که این خود برای فیلمی با این مشخصات کار بزرگی است. فیلم از همان صحنه اول برجسته ترین ویژگی خود را نمایان می کند. و با نمایش چشم اندازهایی ژرف از فضای نامتناهی؛ که با هوشمندی کارگردان برای ترغیب تماشاگر به ادامه این گردش فضایی انتخاب شده است؛ بیننده را مجذوب خود می کند. این چشم اندازها و جلوه های ویژه به قدری خوب کار شده اند که در طول فیلم عمده بار اثر را به دوش می کشد. به نوعی که ذهن بیننده را معطوف به خود می کند. تا دیگر به دنبال صحنه های اکشن و شلوغ نباشد. همین استفاده درست از ظرفیت فضا و جلوه های ویژه است که جاذبه را از دیگر فیلم های اخیر که در موقعیتی مشابه ساخته شده اند جدا می کند. و آن را به اثری ارزشمند در ژانر علمی-تخیلی تبدیل می کند. صحنه های مختلفی از سرگردانی ساندرای بولاک در فضا با رعایت تمامی جزئیات و حرکت صحیح دوربین گرفته شده است. که حس واقعی بودن را به بیننده منتقل می کند. این حس تماشای واقعیت کمک شایانی به همزاد پنداری بیننده با فیلم میکند از دل همین همزاد پنداری است که صحنه های دیگر فیلم جذاب تر می شوند. برای نمونه، صحنه فداکاری جرج کلونی حس بهتری پیدا می کند. و یا صحنه نا امیدی ساندرای بولاک در سفینه روسی، جدا از نا امیدی بیننده نیست. درکل جاذبه با پایانی خوش اثری قابل اعتناست. بجاست اشاره کنم فیلم به صورت سه بعدی ساخته شده و منتقدینی که فیلم را سه بعدی در سینما تماشا کردند همه اتفاق نظر داشتند که نسخه سه بعدی جاذبه فوق العاده است. البته برای ما که دیدن فیلم های روز دنیا در سالن های سینما تنها یک رویاست؛ سه بعدی دیدن دیگر جای خود دارد!



## لیست انتظار اسکار ۸۶

محمد اسحاق حقانی

و لوییتا نی اونگو شانس بیشتری نسبت به رقبا دارند. در شاخه بهترین جلوه های ویژه بعید به نظر میرسد جایزه به فیلمی جز جاذبه تعلق بگیرد. البته این عادت اسکار است که به فیلم هایی که در رشته بهترین فیلم حضور دارند، در سایر بخش ها نگاه ویژه ای داشته باشد. در بخش بهترین موسیقی متن بدون شک غافلگیری بزرگ نبود هانس زیمر (دوازده سال یک برده) در لیست پنج نامزد نهایی است. در بین انیمیشن ها هم "بیخ زده" محصول دیزنی و "باد می وزد" اثر هایائو میازاکی از بخت بیشتری برخوردارند. در این بخش محصول پیکسار یعنی دانشگاه هیولاها توانست در جمع نامزدهای نهایی باشد. در دو رشته بهترین فیلمنامه (اقتباسی و غیر اقتباسی) هم، "او" (اسپایک جونز) و "دوازده سال یک برده" (جان ریدلی) بیشترین اقبال را دارند. و بالاخره در شاخه بهترین کارگردانی، آلفونسو کوآرون شانس اصلی این بخش به شمار می رود هر چند اسکار سابقه غافلگیری در این رشته را دارد. جاذبه و اخاذی آمریکایی با ده نامزدی پشتتاز جوایز اسکار امسال اند.

مراسم تعیین بهترین های سال به انتخاب اعضای آکادمی معروف به اسکار، در روز دوم مارس (۱۱ اسفند) در لس آنجلس برگزار و از برگزیدگان تجلیل خواهد شد. اسامی نامزدها روز ۱۶ ژانویه طی مراسمی توسط کریس همسورث (بازیگر نقش ثور) اعلام شد. در رشته بهترین فیلم بلند تقریباً همه نامزدها قابل پیش بینی بودند. فیلم های "شتاب" اثر ران هاوارد و "درون لوین دويس" اثر برادران کوئن، از جمله ناکامان این بخش بودند. "دوازده سال یک برده"، "جاذبه" و "حقه باز آمریکایی" بیشترین شانس را برای کسب جایزه بهترین فیلم دارند. در شاخه بهترین بازیگر مرد، هیچ یک از پنج نفر را نمی توان نادیده گرفت، هر چند شانس متیو مک کانهی از سایر رقبا بیشتر به نظر میرسد. رابرت رد فورد با فیلم "همه چیز از دست رفته" که در نقشی بسیار آکادمی پسند ظاهر شده بود، گوشه چشمی هم به تندیس اسکار داشت، اما گویا در میان لیست منتخبین جایی برای این پیرمرد نیست! همچنین خواکین فینیکس با فیلم "او" و تام هنکس با "کاپیتان فیلیپس" نتوانستند هیچکدام از آن پنج نفر باشند. در رشته بهترین بازیگر زن کیت بلانشت و امی آدامز گزینه های محتمل تری برای به دست آوردن مجسمه طلایی به نظر میرسند. برای بهترین بازیگر مرد مکمل جارد لتو و برای بهترین بازیگر زن مکمل هم جنیفر لارنس



## فهرست نامزدهای اسکار ۸۶ به شرح زیر است:

**بهترین فیلم:** جاذبه، دوازده سال یک برده، فیلومنا، او، کاپیتان فیلیپس، حقه باز آمریکایی، گرگ وال استریت، نبراسکا، باشگاه خریداران دالاس

**بهترین کارگردان:** آلفونسو کوآرون (جاذبه)، مارتین اسکورسیزی (گرگ وال استریت)، الکساندر پین (نبراسکا)، دیوید آراسل (حقه باز آمریکایی)، استیو مک کوئین (دوازده سال یک برده)



**بهترین بازیگر مرد:** متیو مک کانهی (باشگاه خریداران دالاس)، لئوناردو دی کاپریو (گرگ وال استریت)، کریستین بیل (حقه باز آمریکایی)، چیتو اتل جیفور (دوازده سال یک برده)، بروس درن (نبراسکا)



**بهترین بازیگر زن:** کیت بلانشت (جاسمین غمگین)، امی آدامز (حقه باز آمریکایی)، ساندرا بولاک (جاذبه)، جودی دنچ (فیلومنا)، مریل استریپ (آگوست: محله کانتی)



**بهترین انیمیشن:** یخ زده، من نفرت انگیز ۲، کرودها، ارنست و سلستین، باد می وزد

**بهترین بازیگر مرد مکمل:** جارد لتو (باشگاه خریداران دالاس)، برخاد عبدی (کاپیتان فیلیپس)، بردلی کوپر (حقه باز آمریکایی)، مایکل فاسبندر (دوازده سال یک برده)، جونا هیل (گرگ وال استریت)

**بهترین بازیگر زن مکمل:** جنیفر لارنس (حقه باز آمریکایی)، لویپتانی اونگو (دوازده سال یک برده)، سالی هاوکینز (جاسمین غمگین)، جولیا رابرتز (آگوست: محله کانتی)، جون اسکویب (نبراسکا)

**بهترین فیلمنامه غیراقتباسی (اورجینال):** نبراسکا، او، باشگاه خریداران دالاس، جاسمین غمگین، حقه باز آمریکایی

**بهترین فیلمنامه اقتباسی:** پیش از نیمه شب، کاپیتان فیلیپس، دوازده سال یک برده، گرگ وال استریت، فیلومنا

**بهترین موسیقی متن:** جان ویلیامز (دزد کتاب)، استیون پرایس (جاذبه)، تامس نیومن (نجات آقای بنکس)، الکساندر دسپلات (فیلومنا)، ویلیام باتلر و اوون پلت (او)

**بهترین ترانه:** عشق معمولی (ماندلا، راه طولانی تا آزادی)، ترانه ماه (او)، بگذار برود (یخ زده)، خوشحال (من نفرت انگیز ۲) بهترین فیلم خارجی زبان: سقوط دایره شکسته (بلژیک)، زیبایی بزرگ (ایتالیا)، شکار (دانمارک)، تصویر گمشده (کامبوج)، عمر (فلسطین)

**بهترین فیلمبرداری:** امانوئل لوبتسکی (جاذبه)، فیلیپ لی سورد (استاد بزرگ)، برونو دل بونل (درون لوین دیویس)، فدان پاپا میچل (نبراسکا)، راجر دیکنز (زندانی ها)

**بهترین تدوین:** جو والکر (دوازده سال یک برده)، آلن بامگارتن، جی کسیدی، کریسپین استراترز (حقه باز آمریکایی)، کریستوفر راس (کاپیتان فیلیپس)، آلفونسو کوآرون، مارک سنجر (جاذبه)، مارتین پنسا (باشگاه خریداران دالاس)

**بهترین طراحی لباس:** گتسی بزرگ، اخاذی آمریکایی، استاد بزرگ، دوازده سال یک برده، بانوی نامرئی

**بهترین طراحی صحنه:** او، گتسی بزرگ، حقه باز آمریکایی، جاذبه، دوازده سال یک برده  
**بهترین گریم:** باشگاه خریداران دالاس، رنجر تنها، پدر بزرگ بد

**بهترین تدوین صدا:** همه چیز از دست رفته، هایت: نابودی اسمگ، کاپیتان فیلیپس، جاذبه، آخرین بازمانده  
**بهترین میکس صدا:** درون لوین دیویس، هایت: نابودی اسمگ، کاپیتان فیلیپس، جاذبه، آخرین بازمانده

**بهترین جلوه های ویژه:** هایت: نابودی اسمگ، جاذبه، رنجر تنها، سفر ستاره ای: درون تاریکی، مرد آهنی ۳



فیلمساز ماه:

## کریستوفر نولان

CHRISTOPHER NOLAN



### شهاب گل محمدی

کارگردان و فیلمنامه نویس ۴۴ ساله انگلیسی که به مدت ۱۶ سال فعالیت در زمینه فیلمسازی توانسته خود را به عنوان یکی از نام آوران سینمای هالیوود به اثبات رساند. او در ۲۸ سالگی فیلم تعقیب (Following) را کارگردانی کرد و از همان ابتدا نظر بسیاری از منتقدین را به سوی خود جلب نمود. و سال به سال با ساخت هر فیلم، خود را پخته تر کرد. و در حال حاضر فیلم های او به عنوان محبوب ترین و مخاطب پسندترین فیلمها در تاریخ سینما به شمار می آیند. در ادامه به معرفی و بررسی اجمالی اغلب آثار برتر وی می پردازیم.

### یادگاری (Memento)

محصول: ۲۰۰۰

فیلمنامه: کریستوفر نولان، جاناتان نولان (داستان)

بازیگران: گای پیرس، کری آن ماس، جو پونتالیانو

این فیلم اوج ابتکار نولان برای خلق یک داستان بسیار ساده همراه با یک روایت فوق العاده پیچیده است.

داستان فیلم از این قرار است که یک مامور شرکت بیمه به دنبال قاتل همسر خود میگردد. اما به دلیل ضربه ای که به سرش

برخورد کرده نمیتواند حافظه کوتاه مدت خود را حفظ کند. مدام مجبور است تا لحظات گوناگونی را که در گذشته تجربه می کند، در نقاط مختلف بدنش حک کند. و یا از مکان ها و اشخاصی که با آنها ارتباط دارد عکس بگیرد. یک دوست در طول این مسیر به او کمک میکند که اگر خوب به روایت داستان توجه کنیم شخصیت تدی (جو پونتالیانو) کاملاً با چیزی که در طول فیلم به نمایش میگذازد متفاوت است. اما ای کاش روایت به همین سادگی می بود.

داستان به دو گونه مختلف روایت میشود: یک قسمت های رنگی و دو قسمت های سیاه و سفید.

قسمت های رنگی بخش اصلی فیلم هستند که داستان را از آخر به اول روایت میکنند. و با این ابتکار به کار رفته شده پس از هر بار فراموشی به قسمت عقب تر ماجرا بازمی گردیم (یا میرویم!).

قسمت های سیاه و سفید مکمل بخش اصلی روایت است. و داستان را از اول به آخر و در فضای محدودتر بیان می کند. هر دو داستان در گوشه ای به صورت کاملاً حرفه ای به یکدیگر میرسند و اوج مشغله ذهنی را برای شما فراهم می کنند.

نولان با خلق این اثر سعی کرده است فیلمی بسازد که بتواند تمام توانایی های وی را در گمراه کردن تماشاگر به رخ بکشد. و کاملاً هم در این امر موفق بوده است.



## بی خوابی (Insomnia)

محصول: ۲۰۰۲

فیلمنامه: هیلاری سیتز

بازیگران: آل پاچینو، رابین ویلیامز

داستان در مورد دو دوست جوان و علاقه مند به شعبده بازیست که طی یک حادثه راهشان از یکدیگر جدا میشود و با هر ترفندی سعی در رقابت و شکست یکدیگر دارند.

روایت فیلم باز هم به صورت کاملاً غیر خطی و بسیار زیباست. داستان از جایی شروع میشود که "بوردن" (با بازی کریستین بیل) رقیب خود را "انگیر" (با بازی هیو جکمن) محبوس در یک منبع پر



از آب میبندد و سعی در نجات او دارد اما موفق نمیشود و به جرم قتل وی به زندان می افتد، در زندان دفترچه خاطراتی از او به دستش میرسد و شروع به مرور خاطراتش میکند و با فلش بک های پی در پی داستان شرح داده میشود.

در طول فیلم روایت دیگری به موازات روایت دفترچه خاطرات توسط بوردن وجود دارد که این بار راوی "انگیر" است که توانسته با استفاده از دستیار خود دفترچه خاطرات بوردن را بدزدد و سعی در پیدا کردن رازهای شعبده بازی او دارد.

در اوایل فیلم کاتر (با بازی مایکل کین که یکی از بازیگران محبوب نولان است) مونولوگ هایی را به زبان می آورد که بیننده با شنیدن آن از صحنه های آغازین فیلم مجذوب این اثر میشود و برای هر لحظه دیدن آن اشتیاق تازه ای می یابد.

نولان با ساخت دو اثر "یادگاری" و "حیثیت" توانسته توانایی خود را در پیچ و خم دادن به زمان و حرکت خلاف آن را به اثبات برساند.

### سه گانه بتمن

شخصیت های کمیک همیشه از پر مخاطب ترین گزینه ها برای ساخت فیلم، سریال، مجله و انیمیشن بوده اند، و وقتی هر یک از این سرگرمی ها یک شخصیت کمیک را در خود جای میدادند، میتوانستند به خوبی خود را در میان اقشار مختلف جامعه و گیشه های سینما جای دهند. هر چه مخاطب با هر کدام از آنها بیشتر ارتباط برقرار می کرد آن کاراکتر بیشتر رشد می کرد و میتوانست بسیار محبوب شود و بلعکس. شخصیت هایی چون مرد عنکبوتی، سوپرمن و بتمن که همه آنها را به خوبی می شناسند و جز محبوب ترین شخصیت ها در دنیای کمیک (کمیک استریپ) می باشند.

بتمن در سال ۱۹۳۹ توسط باب کین خلق شد و یک فرق عمده ای که این شخصیت با دیگر شخصیت های کمیک داشت این بود که او نه از آسمان آمده بود، نه تحت پرتو خاصی قرار گرفته بود و نه موجودی او را نیش زده بود و فقط می توانست کار های خود را با استفاده از ابزار و صلاح های خود ارتقا دهد و از انجام کار های ماور الطبیعی عاجز بود.

بی خوابی روایتگر چند روز از تلاش یک کارآگاه پلیس به نام "دورمر" با بازی آل پاچینو است؛ برای کشف راز قتل یک دختر و پیدا کردن قاتل، اما او خود درگیر یک حادثه دیگر می شود که روند کارش را تغییر می دهد. این اتفاق سبب می شود تا دورمر برای دفاع از شهرت و پیشینه خود، دیگران را فریب دهد.

فیلم در شهری نزدیک آلاسکا روایت می شود. مکانی که ۶ ماه از سال روز است و هوا کاملاً روشن است؛ که برای تازه واردانی چون کارآگاه عذاب آور است. او شب ها نمیتواند بخوابد و این یک ایده بسیار عالیست که نولان برای بیان حس عذاب وجدان دورمر خلق کرده است. کارآگاه دلیل نخواستنش را روشنی شبها توجیه می کند. اما بیننده در طول فیلم درمیابد که روشنی شب نمادی از حقیقت است که باعث عذاب وجدان دورمر شده است. در سکانسی از فیلم یکی از همکاران کارآگاه دلیل نخواستن پلیس ها را اینگونه بیان می کند: "یک پلیس خوب به دلیل اینکه معمای جنایت برایش حل نشده نم ی تواند بخوابد؛ یا یک پلیس بد نمی تواند بخوابد چون عذاب وجدان دارد." و این کاملاً در مورد کاراکتر دورمر صدق می کند. چرا که او به هر دو شکل درگیر ماجرا شده است.



از اواسط فیلم تمامی حقایق آشکار می شوند و فیلم تنها حول کاراکتر کارآگاه و سونوشت وی می چرخد. در طرف دیگر او با شخصیت قاتل دختر که اوایل به صورت ناشناس و سپس در طول فیلم شناسایی می شود؛ با بازی رابین ویلیامز، رابطه دارد. و مجبور

### حیثیت (Prestige)

است با او همکاری کند. اما مشکل روشنی روز است!

محصول: ۲۰۰۶

نویسنده: کریستوفر نولان

بازیگران: کریستن بیل، هیو جکمن، مایکل کین، اسکارلت یوهانسن

بعد از فیلم پیچیده یادگار (و البته بعد از آغاز پروژه بتمن)، نولان ساخت فیلمی را کلید میزند که رنگ و بویش با فیلم های گذشته او قدری متفاوت است. فیلم این بار در دنیای مدرن و پرهیاهوی زمان حال نیست بلکه به دورانی از قرن نوزدهم برمیگردد که شعبده بازی یکی از بهترین و مفرح ترین تفریحات مردم بوده و برایش ارزش بسیار قائل بودند.

## شروع: بتمن آغاز می کند (Batman Begins)

محصول: ۲۰۰۵

نویسنده: کریستوفر نولان  
بازیگران: کریستین بیل، مایکل کین،  
مورگان فریمن، لیام نیسن، گری اولدمن

از همان زمان خلق شخصیت بتمن اقتباس های بسیاری از این کاراکتر صورت گرفته شده که معروف ترین آنها به سال ۱۹۸۹ بر میگردد که توسط تیم برتون کارگردانی شده است، در این فیلم مایکل کیتون (بتمن) و جک نیکلسون (جوکر) بازیگران را تشکیل می دادند. فیلم نسبتاً جنبه طنز گونه داشت و بسیاری از حقایق و زیر و بمی که توسط فیلم باید آشکار می شد زیر سایه کمدی بودن فیلم جان می باخت.

نولان شخصیت بتمن را در فیلم "بتمن آغاز می کند" از نو می پردازد، بروس وین (کریستن بیل)، بچه ای که شور انتقام پدر و مادرش را در سر دارد سعی می کند برای فرار از شهر به فساد کشیده شده گاتهام به سرزمین های دور سفر کند، جایی که از او یک مرد قدرتمند می سازد و تحت آموزشهای رزمی قرار می گیرد و به یک ماشین آدم کشی تبدیل می شود، اما به جای اینکه به سمت شهرش بازگردد و آن را نابود سازد سعی می کند شهر را نجات دهد و با راس الغول (لیام نیسن) فرمانده او و فردی که سعی در نابودی شهر دارد، وارد مبارزه می شود و خود را به عنوان یک قهرمان در شهر به اثبات می رساند.

## اوج: شوالیه تاریکی (The Dark Knight)

محصول: ۲۰۰۸

نویسنده: کریستوفر نولان، جانانان نولان  
بازیگران: کریستن بیل، مایکل کین، مورگان فریمن، هیث لجر، آرون ایکهارت، گری اولدمن

بتمن در اوج قهرمانی خود به سر میرد، او کسی است که در گاتهام اسمش لرزه به تن هر تبهکاری می اندازد و می تواند به خوبی شهر را کنترل کند. اینبار او به کمک رئیس پلیس جیمز گوردن (گری اولدمن) شخصی دیگر را به گروه محافظان شهر اضافه می کند شخصی درستکار و خبیره در امور دادرسی به نام هاروی دنت (آرون ایکهارت)، آنها قصد پاکسازی شهر از چنگال چند خلافکار را دارند که در این میان تاریک ترین چهره در میان دشمنان بتمن در دنیای کمیک در این شهر ظهور میکند، جوکر (هیث لجر) کسی که محدودیتی برای خود نمی بیند، شخصی که نه برای پول دست به جنایت میزند و نه برای قدرت و فقط و فقط کارهای خود را از جنبه سرگرمی توجیه میکند.

او می خواهد به قهرمان شهر ثابت کند که دنیا جایی هست که همه تبهکار و جنایت کارند و فقط باید در موقعیتش قرار بگیرند و نولان این نظریه جوکر را به نحو احسن تا آخرین ثانیه های این اثر تاریک خود به نمایش در می آورد.

فیلم به نحوی روایت می شود که بیننده در چندین موقعیت جایگاه کاراکترها را با یکدیگر عوض می کند و تنها چهره جوکر است که به نحو کاملاً جدی زیر خنده های وحشتناک و ترسناک

او در بعد شر داستان قرار دارد و هر لحظه جایگاه خود را محکم تر و جایگاه بتمن را متزلزل تر می نماید، و این را باید وام دار بازی افسانه ای هیث لجر دانست که توانست چنین شخصیت عصیانگری را به کنترل خود در آورد.

## پایان: شوالیه تاریکی برمی خیزد (The Dark Knight Rises)

محصول: ۲۰۱۲

نویسنده: کریستوفر نولان، جانانان نولان  
بازیگران: کریستن بیل، مایکل کین، گری اولدمن، تام هاردی، ماریا کوتیاریا، جوزف گوردن لویت، آن هاتاوی، مورگان فریمن

هشت سال از جریان به آشوب کشیدن شهر توسط جوکر می گذرد دیگر بتمن یک شخص منفور بین جامعه است، او کسی ست که مردم شهر او را قاتل هاروی دنت میدانند و تحت تعقیب پلیس است و در کاخ خود مخفی شده است، اما این شهر گاتهام نام دارد شهری که نمی تواند آرام باقی بماند، نیروی صلح شهر این بار سر تعظیم به روی شخصی قدرتمند به نام بین (تام هاردی) فرود می آورد، شخصی که آنقدر قدرت دارد که بتمن را در مقابل خود ناچیز می بیند و اصلاً بر خلاف جوکر او را به حساب نمی آورد.

او از لحاظ قدرت بدنی بسیار قوی تر از بتمن است، و فردی بی نام و نشان است که با وجود یک ماسک بر روی دهانش چهره ای ترسناک و صدایی رعب آور دارد، او طی چند اقدام ساده کنترل شهر را به دست میگیرد و با شگردی جالب پلیس را به زانو درآورده و تنها به جهت نابودی شهر قدم برمیدارد. این بار نیز بتمن محافظت از شهر را وظیفه خود میداند و سعی در بازگرداندن غرور و شرف خود دارد، که این کار مستلزم از خود گذشتگی اوست.

فیلم هایی که بر اساس شخصیت های کمیک ساخته می شوند موجودیت خود را مدیون تقابل خیر و شر هستند و نولان در سه گانه بتمن خود به خوبی توانسته که علاوه بر معنی مستقیم خیر و شر معانی قابل لمس تر و متفاوت تری را به نمایش در آورد.





فیلم منتخب:

## تلقین

# INCEPTION

### هزارتوی ذهن نولان

محمد اسحاق حقانی

تلقین از آن دسته فیلم هایی است که اگر پایان آن را برای دیگران تعریف کنید لذت تماشایش را از او نگرفته اید. جایگاه تلقین در سینما مکان کمیابی است فیلم هم برای تماشاگر عام تجربه ای مفرح است و هم علاقمندان به سینما را سر ذوق می آورد. اگر چه یادآور ماتریکس و اچوفسکی هاست اما به لحاظ منطق داستان به سرعت از آن پیشی می گیرد.

منطق فرا داستانی هر کدام از سکانس های فیلم کنایه ایست به مرز بین زندگی مادی ای که ما میشناسیم و رویا. سکانسی که کاب (لئوناردو دی کاپریو) و آریادنه (الن پیج) برای اولین بار در خواب مشترک قرار دارند و تشخیص آن برای آریادنه سخت است نشانگر مرز کوتاه بین خواب و بیداری است و نابودی خواب که ترس همیشگی انسان از نا شناخته ها را یادآوری می کند. در سکانسی دیگر کاب و آریادنه در رویای کاب قرار دارند، آریادنه دوآینه بزرگ را روبروی هم قرار می دهد، تصویر هر دو نفر در آینه ها کوچک و کوچکتر می شود و به همان میزان مرز بین رویا و حقیقت ضعیف و ضعیف تر می شود و با شکستن آینه ها این مرز کاملاً از بین می رود. حضور شخصیت

همسر کاب (مال) در رویاهای او نشان دهنده تاثیر خاطرات بر ضمیر ناخودآگاه و در نتیجه تاثیر آن بر رویاهای آدمی است. تاثیر خاطرات ممکن است در زندگی مادی پایان یابد اما همیشه سایه ای از آن بر ضمیر ناخودآگاه انسان باقی خواهد ماند. انتخاب نام آریادنه هم برای شخصیت معمار گروه از روی اتفاق نیست. آریادنه نام یکی از الهه های یونانی است که زئوس را از موقعیتی شبیه به هزارتو می رهاند. از نقطه نظر دیگر فیلم این سوال را طرح می کند که برآستی کدام دنیا حقیقی و کدام ساخته ضمیر ناخودآگاه ما است سکانس پایانی فیلم هر چند به این سوال پاسخ نمی دهد اما بیننده را به فکر فرو می برد.

از نظر ساختار فنی فیلم فوق العاده خوش ساختی است. نولان در ادامه ساخت پر محتوا اما در عین حال عام پسند فیلم های "بتمن می آغازد"، "پرستیز" و "شوالیه تاریکی" اثری ماندگار به لحاظ جلوه های بصری خلق می کند. طراحی صحنه فیلم در نوع خود شاهکار است هر صحنه با طراحی فوق العاده، موقعیت آن صحنه را در فیلم برای ما روشن می کند (بخصوص سکانس های آغازین و سکانس پایانی). فیلمبرداری والی فیستر با دوربین های آی مکس باب جدیدی

را به روی فیلمبرداران گشود (سکانس نبرد آرتور و محافظان فیشر). تدوین لی اسمیت در نیمه دوم فیلم (بخصوص زمانی که خواب ها لایه لایه می شوند) باعث گیج شدن بیننده نمی شود (در حالیکه در اکثر آثار علمی-تخیلی مشکل اصلی فیلم همین بخش است). و در ستایش موسیقی متن فوق العاده هانس زیمر قلم نگارنده کفایت نمی کند امیدوارم در آینده متخصصی در این زمینه پیدا شود و برای من توضیح دهد که چرا این موسیقی تا این حد خوب است. برای درک مطلب نگاهی به سکانس برگشت کاب به خانه بیندازید، در این صحنه ها همگام با باور کاب مبنی بر اینکه می تواند دوباره به خانه برگردد موسیقی از تمی بیجان، جان می گیرد، همچون بذری که در ذهن قرار می گیرد و به تدریج دنیایی را می سازد.

اما مشکل اصلی فیلم آنجاست که در دام اکشن می افتد هر چند نولان نشان داده در طراحی صحنه های اکشن فوق العاده است اما حقیقت این است که پرداخت نولان روی صحنه های اکشن مهلت اندیشیدن روی مباحث مطرح شده را از بیننده می گیرد. با همه این اوصاف تلقین اثر قابل اعتنایی است فیلمی که بعید به نظر می رسد غبار زمان از ارزش نگاتیو هایش بکاهد.



## تسخیر ذهن، زمان، مکان

شهاب گل محمدی

وقتی برای بار اول "تلقین" را تماشا می کردم مدام خودم را سرزنش می کردم که چرا داخل داستان گم شدم؟ باید کمی فیلم را به عقب برگردانم و از اول ببینم؟ نه شاید آخرش همه چی روشن شود و وقتی به آخر فیلم رسیدم نهایت گمراهی را تجربه کردم! برای بار دوم که تماشا می کردم با اینکه از روند و پایان فیلم کاملاً مطلع بودم باز هم یکی از جذاب ترین فیلم های عمرم را می دیدم به طوری که تا آخرین لحظه فیلم المان های جدید را می توانستم در آن پیدا کنم.

در سال ۱۹۹۹ واپسوسکی های بزرگ توانستند دنیایی را به موازات جهانی که ما در آن زندگی می کنیم در اثری به نام "ماتریکس" خلق کنند، از آن زمان فیلمها و سریال های بسیاری این ایده را درخود پروراندن و توانستند آن را گسترش و رشد دهند اما در سال ۲۰۱۰ نولان این دنیا را ملموس تر جلوه داد و علاوه بر سفر های دو طرفه توانست چندین دنیای دیگر را به

موازات این جهان واقعی خلق کند و از عنصر رویا برای بیان نظریه های خود استفاده کرد. این بار او علاوه بر زمان، در طول فیلم بیشتر تمرکزش را روی مکان های موجود یا به طور واضح مکان هایی که در طول فیلم ذهن افراد یا طراحان رویا آن را می سازند قرار داده است، نولان در خلق این اثر توانسته نشان دهد که بعد قابل لمس مکان را هم می توان به بازی گرفت و کاملاً در این امر موفق بوده است.

این فیلم یک فیلم کاملاً معنا گراست و جنبه های روانشناسی زیادی در آن قابل مشاهده است که متاسفانه بحث آن در این فضای محدودی که در اختیار ماست نمی گنجد.

کاب (لئوناردو دی کاپریو) یک معمار است، با توانایی هایش می تواند وارد رویای دیگران شود و تجربه هایشان را بدزد، بی آنکه آنان متوجه شوند، اما در اول و آخر فیلم (!) بیننده متوجه می شود که ظاهراً ذهن خود کاب هم دستکاری شده و رویاهایش مدام بهم می ریزند و ظاهراً فرد دیگری روی کار او تسلط دارد و وقتی

داستان اوج می گیرد می بینیم که احساساتش او را آشفته می سازد و این احساسات ریشه در واقعیتی در زندگی شخصی اش و رابطه ی او با همسرش دارد.

راجر ایبرت منتقد نام دار سینما در مورد "تلقین" می گوید: این روزها سطل زباله ای وجود دارد که آثار خوب و بد در آن بی استفاده مانده اند، هر از گاهی یک نفر یکی از آنها را بازسازی میکند (و به همان سطل زباله می اندازد)، اما ایده و فیلم تلقین کاملاً بکر و تازه است و هیچ وقت در طول تاریخ اینگونه اثری خلق نشده.

حال اگر از فیلمنامه هم بگذریم شاهد صحنه ها و جلوه های ویژه بی نظیر همراه با بازی بسیار خوب تیم بازیگری نولان خواهیم بود که با موسیقی متن شاهکار آن که توسط هانس زیمر ساخته و پرداخته شده است شما را در دنیای بین رویا و واقعیت تنها خواهد گذاشت و به راحتی نمی توانید ذهن خود را از تجربیاتی که در این فیلم به نمایش در آمده است خالی کنید.



بخشد و باعث یک جور تحول در معانی و مفاهیم بدیهی زندگی روزمره ما می‌گردد. حال در اینسپشن از یک سو با دنیایی بسیار پیچیده و گردن‌کش در برابر چهارچوب‌ها و قواعد، و از سویی دیگر با داستانی پر پیچ و خم به همراه شخصیتی پر رمز و راز طرف هستیم. نولان این بار ساده‌ترین روایت پیچیده! ممکن را برای فیلمش بر می‌گزیند. که در نهایت منجر به فیلمی یکدست می‌

همانطور که کاپ دام یک متخصص استخراج اطلاعات از ذهن است و همچنین می‌تواند ایده‌ای را در ذهن یک شخص قرار دهد، نولان نیز همچون او متخصص کاشت بذریک ایده در ذهن افراد است. با این تفاوت که کاپ این کار را در زمان ناخودآگاهی کامل انسان‌ها یعنی در خواب انجام می‌دهد ولی نولان در زمانی که ذهن ما در حالتی نیمه‌خودآگاه و نیمه‌ناخودآگاه است، یعنی از طریق پرده نقره‌ای و در سالن‌های تاریک سینما انجام می‌دهد. فیلم تلقین به واقع خود یک اینسپشن است. و توتم<sup>۲</sup> شما را در حین تماشای فیلم از کار می‌اندازد.

تلقین فیلمی است که به دلیل پیچیدگی‌های بسیارش چه به لحاظ آفرینش دنیایی بدیع و چه به لحاظ پیچ و خم‌های موجود در داستان، پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به اثری ملال‌آور و پر حرف دارد اما حضور نابغه‌ای به نام کریستوفر نولان در مقام کارگردان، نه تنها مانع این اتفاق می‌شود بلکه در آن سال موفق به فتح گیشه‌ها نیز می‌گردد.



شود که در برخی زمینه‌ها باعث گسترش مرزهای روایت در سینما می‌گردد. در آفرینشش داشت. و به صورت یک لکه بر روی لبه آستین<sup>۳</sup>! مخاطب خواهد ماند و به این سادگی‌ها از ذهن او پاک نخواهد شد.

با تمام شدن فیلم تماشاگران خواهند گفت: "تحت تاثیر قرار گرفتم". این به دلیل قدرت خیره‌کننده نولان در تبدیل و نزدیک کردن تخیل به واقعیت است. سه گانه بتمن را بیاد بیاورید، فیلم‌هایی که نقطه عطفی در دنیای کامیک به حساب می‌آیند. و حتی کمی با احتیاط می‌توان گفت نگرش به جهان و موضوع قهرمان و ضد قهرمان در سینما را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند. این فیلمساز انگلیسی توانست شهر خیالی گاتهام با آن حال و هوای فانتزی که از فیلم‌های تیم برتون بیاد داشتیم را به کل تغییر دهد و تبدیل به دنیایی ملموس و باور پذیر کند.

در کارنامه هنری نولان از یک منظر می‌توانیم شاهد نوعی تقسیم بندی در بین آثارش باشیم، یک دسته فیلم‌هایی هستند با داستان‌های سر راست و نه خیلی پیچیده، که به گونه‌ای پیچیده و در برخی مواقع بی سابقه روایت می‌شوند (فیلم یادگاری)، و دسته دیگر هم آنهایی هستند که با داستان‌هایی پر پیچ و خم و شخصیت‌هایی پیچیده به گونه‌ای سر راست و به دور از تکلف روایت می‌شوند (شوالیه تاریکی).

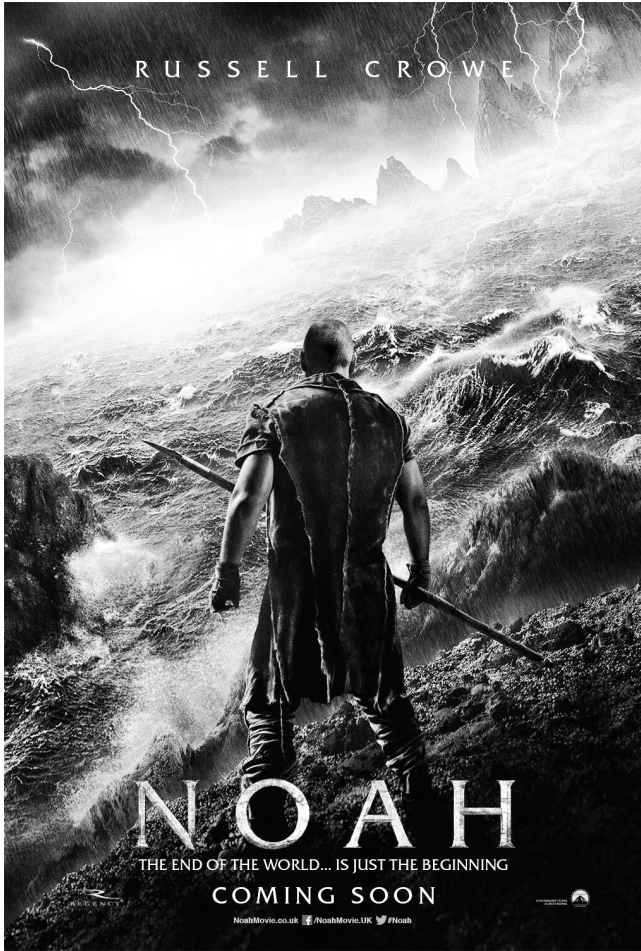
شاید در نگاه اول این کار یک جور خود نمایی و به رخ کشیدن فن بلدی از سوی کارگردان به نظر بیاید. اما او هوشمندانه با ساخت این معجون‌های منحصر به فرد خودش به فرم و بیانی جدید در مدیوم سینما می‌رسد که در ابعاد مختلف به اثر عمق می‌

۱. نام اصلی فیلم که به معنای کاشت بذریک ایده در ذهن و رشد آن است تا تبدیل به یک تفکر و دیدگاه در فرد شود.

۲. در فیلم به وسیله‌ای برای تشخیص رویا از واقعیت گفته می‌شود.

۳. اشاره به فیلم "بی خوابی" اثر همین کارگردان





## روایه‌هایی که می آیند

محمد اسحاق حقانی

سال ۲۰۱۳ با تمام فیلمهای خوب وبدش به پایان رسید و سالن های سینما بار دیگر اما این بار با فیلمهای جدید رو به مشتاقان این عرصه باز خواهد شد. لیستی که در ادامه می آید تعدادی از فیلمهای مهم سال آینده است.

۱. پلیس آهنی (روبوکاپ): داستان همان روایت فیلم اول (ساخته پل ورهوفن محصول ۱۹۸۷) است از تغییر ناگهانی زندگی الکس مورفی و تبدیل شدن به ماشین نیمه انسان است با این تفاوت که داستان با بعضی مسایل روز گره خورده این اثر که در آن گری اولدمن، سامی ال جکسون و مایکل کیتون هنرنمایی میکنند توسط کمپانی های مترو گلدن میر و کلمبیا تهیه شده است تاریخ اکران فیلم هفتم فوریه است.

۲. گودزیلا: روایت بدون داستان وپراکشن رولند امریچ از هیولای پرابهت ژاپنی ها آنقدر کم رمق بود که چاره ای جز خاتمه دادن به این پروژه باقی نگذاشت حال بعد از ۱۵ سال باز هم هالیوود به روی این پروژه روی خوش نشان داده است در این فیلم برایان کرانستون (بازیگر محبوب سریال بریکینگ بد)، ژولیت بینوش، کن واتانابه و آرون تیلر جانسون نقش آفرینی میکنند تاریخ اکران ۱۶ می است.

۳. طلوع سیاره میمون ها: فیلم قبلی با پایان رعب آور به پایان رسید و همه چیز را به قسمت بعدی موکول کرد اندی سرکس (بازیگر نقش گالم در ارباب حلقه ها) باز هم در نقش سزار فرمانده میمونهای شورش پیدا کرده اما جیمز فرانکو در این فیلم حضور ندارد. گری اولدمن از بازیگران این فیلم است باید دید این فیلم میتواند موفقیت فیلم قبلی را تکرار کند و داستان را تکمیل کند یا خیر تاریخ اکران فیلم ۱۷ جولای است.



۴. نوح: روایت پرهزینه دارن آرنوفسکی از طوفان نوح برای علاقمندان سینما پروژه ای جالب و بحث انگیز خواهد بود. آرنوفسکی بعد از اتمام فیلم قوی سیاه از ساخت چند فیلم (از جمله وولورین در آخرین لحظات) انصراف داد تا تمام تمرکز خود را روی این فیلم بگذارد در پنجمین اثر بلند آرنوفسکی در مقام کارگردان راسل کرو در نقش حضرت نوح ظاهر می شود در این فیلم همچنین جنیفر کانلی، اما واتسون و آنتونی هاپکینز ایفای نقش میکنند. تاریخ اکران این فیلم چهارم آوریل است.

۵. مرد عنکبوتی شگفت انگیز ۲: قسمت اول به شدت زیر سایه سه گانه سم ریملی بود و نه توانست رضایت مخاطبین را به دست آورد و نه منتقدان را اما وجود کاراکتر الکترو (با نقش آفرینی جیمی فاکس) که یکی از بدمن های مشهور کمیک مرد عنکبوتی است و ورود کاراکتر هری ازبورن میتواند نقطه عطف این قسمت باشد در این قسمت باز هم اندرو گارفیلد (که با شبکه اجتماعی به شهرت رسید) لباس مرد عنکبوتی را بر تن خواهد کرد، اما استون در نقش گوین استیسی بازی خواهند کرد تاریخ اکران فیلم هجده آوریل است.

۶. مردان ایکس (روزهای سپری شده از آینده): برایان سینگر (مظنونین همیشگی) دوباره در مقام کارگردان بازگشته تا از معروفترین کمیک مردان ایکس اقتباسی سینمایی با بودجه تخمینی ۲۵۰ میلیون دلار تهیه کند. داستان فیلم خط زمانی طولانی و وقایع تاریخی (از جمله ترور کندی) را شامل میشود. بازیگران این فیلم شامل بازیگران سری قبلی (یان مک کلن، پاتریک استیوارت) و سری جدید (جیمز مک آوی، مایکل فاسبندر، جنیفر لارنس) و هیو جکمن در نقش وولورین





کافمن) دومین تجربه کارگردانی کافمن بعد از "نیویورک جز به کل"، شهرگناه: بانویی که باید برایش کشت (رابرت رودریگوئز) ادامه تصویر سازی از نوول گرافیکی فرانک میلر، اکسدوس (ریدلی اسکات) روایت اسکات از داستان حضرت موسی

هستند تاریخ اکران فیلم بیست ۲۲ ماه می است.

۷. کاپیتان آمریکا (سرباز زمستان): بار دیگر کریس اوانز لباس قهرمان اسطوره ای از خواب برخاسته را بر تن خواهد کرد داستان فیلم به همکاری سازمان شیلد و کاپیتان می پردازد با اکران این فیلم فاز دوم فیلم های مارول تکمیل و تماشاگران منتظر گردهمایی دوباره انتقام جویان در تابستان ۲۰۱۵ با فیلم انتقام جویان: عصر اولترا خواهند بود. تاریخ اکران: بیست و هشتم مارس



۸. میان ستارگان: نام کارگردان فیلم کافی است تا منتظر اکران این فیلم باشیم در جدیدترین اثر کریستوفر نولان در مقام کارگردان متیو مک کانهی، انا هاتاوی، جسیکا چاستین، کیسی افلاک و مثل همیشه مایکل کین حضو دارند. داستان فیلم همچون تلقین در ژانر علمی تخیلی است تاریخ اکران فیلم نوامبر اعلام شده است.

۹. احمق و احمق تر به: جیم کری و جف دنیلز در سال ۹۴ با رونمایی از دو کاراکتر لوید و هری (در فیلم احمق و احمق تر) به سرعت جای خود را در میان تماشاگران باز کردند در سالیان بعد تلاش برای ساخت ادامه فیلم به مشکل برمیخورد اما بالاخره تهیه کنندگان توانستند با راضی کردن جیم کری و برگرداندن تیم کارگردانی فیلم قبل شرایط را مهیا سازند تاریخ اکران فیلم نوزدهم دسامبر است.

۱۰. پرنده باز: بیشتر از نام کارگردان ژانر فیلم است که ما را برای تماشای آن کنجکاو می کند فیلمی از ایناریتو در ژانر کمدی استاد مسلم فیلم های سیاه و تلخ ناگهان تغییر سلیقه داده و اثری در ژانر کمدی ساخته است. در ساخته جدید ایناریتو که خودش از نویسندگان آن هم هست اما استون، ناومی واتس، ادوارد نورتون و مایکل کیتون ایفای نقش می کنند.

۱۱. سایر فیلم ها: دختر گمشده (دیوید فینچر) باز هم فینچر باز هم تریلر، هتل بزرگ بوداپست (وس اندرسون)، آنومالیا (چارلی



# سینمای کلاسیک، مدرن و پست مدرن

## امین فیاضی

از یک منظر می توان فیلم های ساخته شده در جهان را به سه دسته کلی کلاسیک، مدرن و پست مدرن تقسیم بندی کرد. در این مقاله سعی بر این است تا با بیان برخی ویژگی ها و قواعد حاکم بر هر کدام از آنها به صورت اجمالی تمایز بینشان روشن تر گردد.

## سینمای کلاسیک:

در این نوع از سینما با فیلم هایی رو به رو هستیم که داستانی را شروع کرده و بدون



باقی گذاشتن هرگونه ابهام آن را به اتمام می رساند. در سینمای کلاسیک داستان ابتدا ، وسط و انتها دارد و منطق روایی آن ثابت است یعنی اگر بنا شد تا روایت از نگاه یک شخصیت به گونه اول شخص شکل بگیرد تا پایان به همان صورت ادامه می یابد. و سیر طبیعی زمان در فیلمنامه هنگامی تغییر می کند که برای شناخت شخصیت ها یا از بین بردن گره های داستان لازم باشد. البته در بعضی موارد نیز برای نشان دادن وضعیت اوهام گونه شخصیت ها استفاده می شود. در طول این فیلم ها سعی بر این است تا شخصیت ها هر چه ملموس تر و واقعی تر پرداخته شوند. حضور هر فرد و میزان

## سینمای مدرن:

این نوع سینما را می توان آنتی تزی در مقابل تزی حاکم بر سینما های آن دوران به حساب آورد، پیشگامان این جریان در صدد نفی اصول سینمای کلاسیک و در واقع ساختار شکنی در آن بودند. سینمای مدرن کمتر از



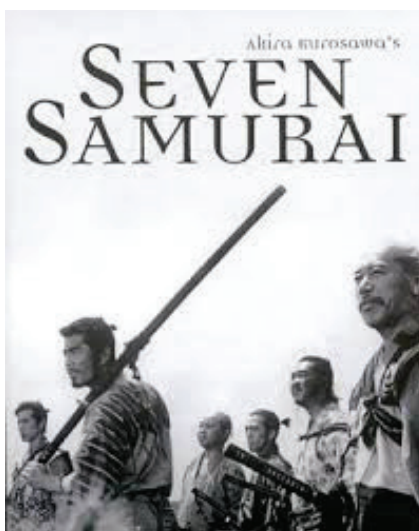
پرداخت آن در فیلم تنها به اندازه ایست که قصه جلو برود، و در یک اثر دقیق نمیتوانید چیزی یا کسی را پیدا کنید که بدون دلیلی در روند داستان، به تصویر کشیده شده باشد. در سینمای کلاسیک شخصیت ها در طول داستان کاملاً معرفی می شوند و نکته پنهان شخصیتی در آنها باقی نمی ماند. دوربین در سینمای کلاسیک معمولاً حرکت اضافی ندارد و مهم ترین هدف آن ایجاد یک فضای نزدیک به زندگی است به نوعی که بیننده متوجه حضور آن نشود و خود را در فضایی حقیقی همراه با شخصیت ها احساس کند. از فیلم های مطرح سینمای کلاسیک می توان به اسپارتاکوس، کازابلانکا، هفت سامورایی و آثار متاخری همچون تایتانیک و گلابیاتور اشاره کرد.

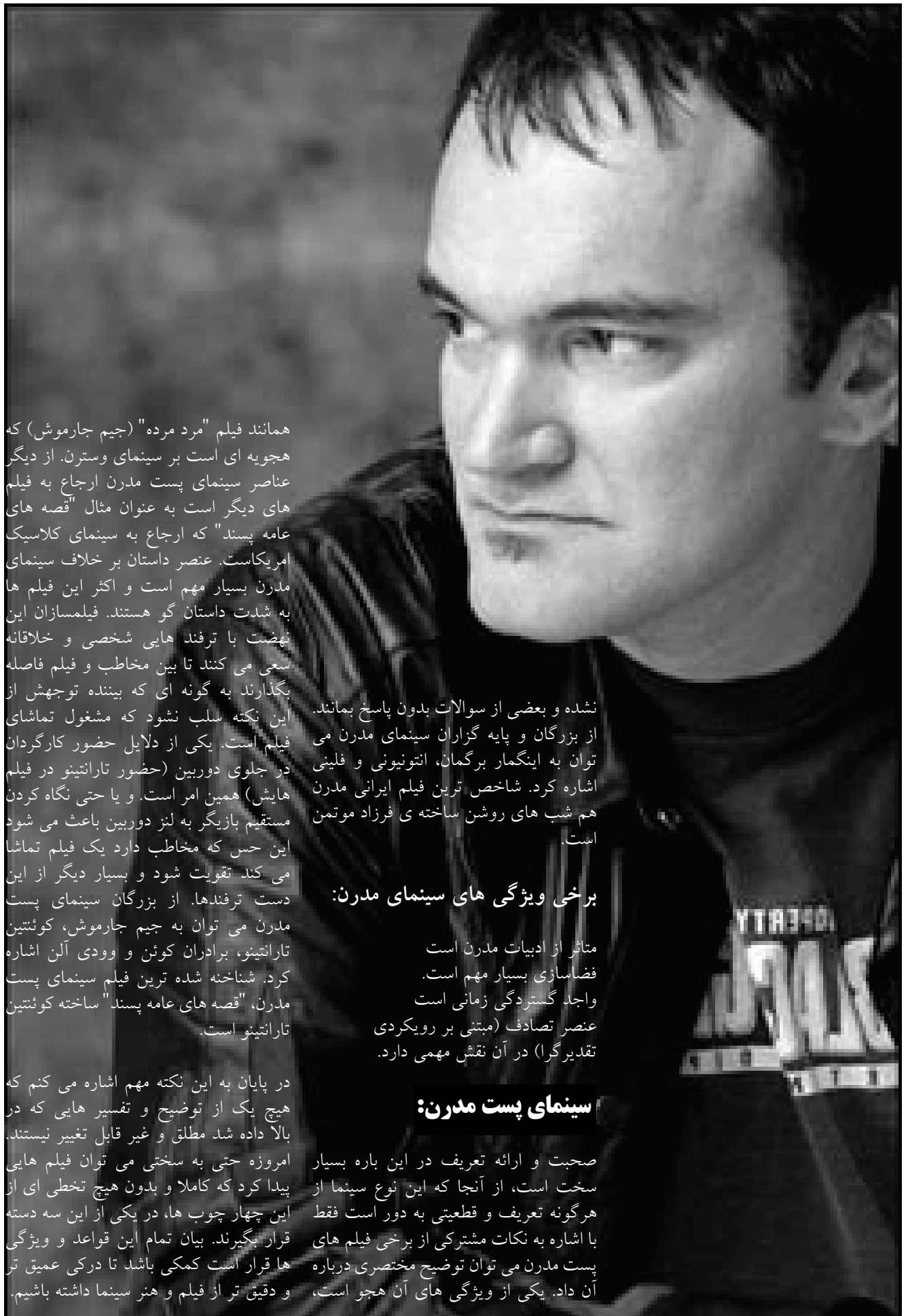
برخی خصوصیات سینمای کلاسیک:

متاثر از رمان های قرن ۱۹ می باشند  
قصه پردازی حرف اول را می زند  
دارای مقدمه چینی و مفصل گویی است  
قهرمان پردازی می کند  
دارای فشردگی زمانی است  
معمولاً شخصیت در طی آن دچار تحول می شود

وحدت گرا و دارای الگوی منسجم است  
همه گره های داستان در انتها باز خواهند شد

سینمای کلاسیک متکی به داستان است و شخصیت ها از داستان مهم تر هستند. فیلم هایی که با این خط مشی تولید می شوند لزوماً دارای منطق روایی خطی نیستند و حوادث داستان بیشتر به طور ناگهانی و اتفاقی است تا بر اساس روابط علی معلولی، به طوریکه بر حسب نیاز و یا سلیقه فیلمساز، منطق روایت داستان هم عوض می شود. شخصیت ها در آن دیگر مثل گذشته مطلق نیستند و بیشتر افرادی خاکستری هستند. تکرار را می توان هم در داستان (که به خرده قصه ها تبدیل شده است) و هم در شخصیت ها (که به جای یک قهرمان فعال چندین نیمچه قهرمان منفعل داریم) مشاهده کرد. عموماً آثاری با پایان باز هستند و به نوعی تماشاگر را در انتخاب چگونه پایان دادن به داستان مختار می گذارند. همچنین در آخر فیلم ممکن است بعضی از گره ها باز





همانند فیلم "مرد مرده" (جیم جارموش) که هجویه ای است بر سینمای وسترن. از دیگر عناصر سینمای پست مدرن ارجاع به فیلم های دیگر است به عنوان مثال "قصه های عامه پسند" که ارجاع به سینمای کلاسیک امریکاست. عنصر داستان بر خلاف سینمای مدرن بسیار مهم است و اکثر این فیلم ها به شدت داستان گو هستند. فیلمسازان این نهضت با ترفند هایی شخصی و خلاقانه سعی می کنند تا بین مخاطب و فیلم فاصله بگذارند به گونه ای که بیننده توجهش از این نکته سلب نشود که مشغول تماشای فیلم است. یکی از دلایل حضور کارگردان در جلوی دوربین (حضور تارانتینو در فیلم هایش) همین امر است. و یا حتی نگاه کردن مستقیم بازیگر به لنز دوربین باعث می شود این حس که مخاطب دارد یک فیلم تماشا می کند تقویت شود و بسیار دیگر از این دست ترفندها. از بزرگان سینمای پست مدرن می توان به جیم جارموش، کوئنتین تارانتینو، برادران کوئن و وودی آلن اشاره کرد. شناخته شده ترین فیلم سینمای پست مدرن، "قصه های عامه پسند" ساخته کوئنتین تارانتینو است.

در پایان به این نکته مهم اشاره می کنم که هیچ یک از توضیح و تفسیر هایی که در بالا داده شد مطلق و غیر قابل تغییر نیستند. امروزه حتی به سختی می توان فیلم هایی پیدا کرد که کاملا و بدون هیچ تخطی ای از این چهار چوب ها، در یکی از این سه دسته قرار بگیرند. بیان تمام این قواعد و ویژگی ها قرار است کمکی باشد تا درکی عمیق تر و دقیق تر از فیلم و هنر سینما داشته باشیم.

نشده و بعضی از سوالات بدون پاسخ بمانند. از بزرگان و پایه گزاران سینمای مدرن می توان به اینگمار برگمان، انتونیونی و فلینی اشاره کرد. شاخص ترین فیلم ایرانی مدرن هم شب های روشن ساخته ی فرزاد موتمن است.

### برخی ویژگی های سینمای مدرن:

متاثر از ادبیات مدرن است  
فضاسازی بسیار مهم است.  
واجد گستردگی زمانی است  
عنصر تصادف (مبتنی بر رویکردی تقدیرگرا) در آن نقش مهمی دارد.

### سینمای پست مدرن:

صحبت و ارائه تعریف در این باره بسیار سخت است، از آنجا که این نوع سینما از هرگونه تعریف و قطعیتی به دور است فقط با اشاره به نکات مشترکی از برخی فیلم های پست مدرن می توان توضیح مختصری درباره آن داد. یکی از ویژگی های آن هجو است،



# از گوشه و کنار دنیای تصویر

محمد اسحاق حقانی و امین فیاضی

اکران نوروزی:

هر سال بعد از پایان جشنواره فیلم فجر نوبت به دستچین کردن شماری از بهترین فیلم‌های این جشنواره برای اکران نوروزی می‌رسد؛ در این روزها نیز برخی رسانه‌ها با قطعیت از اکران نوروزی سه فیلم «سج»، «معراجی‌ها» و «طبقه حساس» و نیز اکران احتمالی فیلم‌های «آرایش غلیظ»، «مهمان داریم»، «آذر، شهادت، پرویز و دیگران» و «خط ویژه» سخن می‌گویند. با این حال و با وجود تمام این احتمال و یقین‌ها به نظر می‌رسد که هنوز باید گزینه‌های قطعی اکران‌های نوروزی را در هاله‌ای از ابهام دانست همچنین منصور لشکری قوچانی تهیه‌کننده «خط ویژه» از اکران این فیلم در نوروز امسال خبر داد و گفت: قرارداد

تارانتینو فیلم جدیدش را نمی‌سازد!

کوئنتین تارانتینو پس از انتشار مخفیانه فیلمنامه فیلم جدیدش در اینترنت اعلام کرد فعلا از ساخت این فیلم منصرف شده است این فیلم هشت نفرت انگیز نام داشت. نظر تارانتینو در مورد انتخاب بن افلک برای نقش بتمن هم جالب است "باید بگویم که واقعا نظری ندارم. چرا؟ چون بتمن کاراکتر چندان جذابی نیست. چیز زیادی برای بازی کردن وجود ندارد. معتقدم مایکل کیتون آن را بهتر از بقیه اجرا کرد و برای بن افلک هم آرزوی موفقیت می‌کنم. اما می‌دانید چه کسی می‌توانست یک بتمن عالی باشد؟ الک بالدوین در دهه ی هشتاد."

امسال هم سریال "پایتخت" با تمام بازیگران خود جلوی دوربین رفت

نوروز ۹۳ از شبکه یک در ۱۵ قسمت آماده می‌شود. محسن تنابنده، احمد مهرانفر، ریما رامین فر، سارا و نیکا فوقانی اصل و علیرضا خمسه بازیگران اصلی سریال هستند و مهران احمدی، نسرین نصرتی، هومن حاجی عبداللهی و... به عنوان هنرمند در این سریال نقش آفرینی می‌کنند. محسن تنابنده سرپرست نویسندگان سریال است و خشایار الوند و حسن وارسته گروه نویسندگان را تشکیل می‌دهند.

در خلاصه داستان سریال آمده: در شب عروسی ارسطو، حادثه‌ای روی می‌دهد که باعث می‌شود نقی که از چند ماه قبل بیکار است، پریشان و افسرده شود. او با تشویق خانواده به ورزش کشتی که در جوانی به آن مشغول بوده، روی می‌آورد و پا در مسابقات کشتی پیشکسوتان می‌گذارد، اما ماجرای در خلال کشتی پیش می‌آید که نقی و



خانواده‌اش را وارد ماجراهای تازه‌تر می‌کند.

تصویربرداری سری سوم مجموعه تلویزیونی پایتخت به کارگردانی مقدم و تهیه‌کنندگی الهام غفوری از ۱۳ دی ماه امسال در شیرگاه مازندران کلید خورده و مقابل دوربین رفته است. این سریال برای پخش در ایام

«خط ویژه» در گروه سینمایی اریکه با پخش هدایت فیلم بسته شده است.

نیم نگاهی به روند تولید فیلم های سال آینده

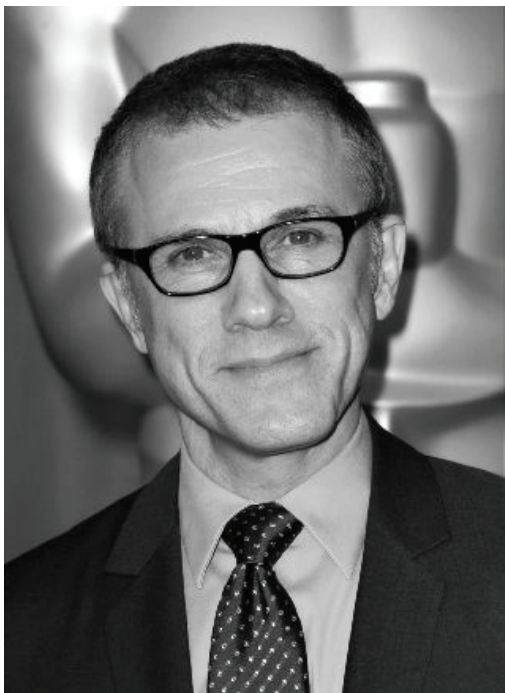
ایفای نقش کرده اند. از فینیکس به تازگی فیلم او اکران شده است.

جیسون ریتمن (لنگ در هوا) که به تازگی فیلم روز کارگر از او در مقام کارگردان اکران شد فیلمبرداری فیلم جدید خود را آغاز کرد این فیلم مردها، زن ها و بچه ها نام دارد. آدام سندلر، اما تامپسون و جنیفر گارنر از بازیگران این درام کمدی هستند.

ساخت فیلم یک میلیون راه برای مردن در غرب به کارگردانی ست مک فارلن (تد) به اتمام رسید این فیلم که در آن شارلیز ترون، لیام نیسون و خود مک فارلن بازی می کنند اواخر بهار ۲۰۱۴ اکران خواهد شد.

قسمت جدید ترنسفورمرها با نام دوران خاموشی با بازی مارک والبرگ در نقش اصلی برای اکران در تابستان ۲۰۱۴ آماده شده است. مارک والبرگ همچنین قرار است در قمارباز به کارگردانی روپرت آیات (خیزش سیاره میمون ها) بازی کند.

کریستف والتس بازیگر اتریشی به جمع بازیگران فیلم رئیس های مخوف ۲ پیوست. والتس همچنین در مایت های تحت تعقیب و پشم های بزرگ (فیلم جدید تیم برتون) بازی کرده است که هر دو در مرحله پس از تولید است.



در جدول فروش فیلم های سال ۲۰۱۳ در سینماهای امریکای شمالی قسمت دوم بازی بقا توانست با فروش ۴۲۳ میلیون دلاری در صدر قرار گیرد مرد آهنی ۳ با ۴۰۹ میلیون دلار در مکان دوم قرار گرفت و انیمیشن یخ زده (که همچنان فروش خوبی دارد) در رده سوم قرار گرفت.

فیلم جدید بنت میلر (کاپوتی، مانیبال) با نام شکارچی روباه با بازی چنینگ تاتوم، مارک رافالو و استیو کارل به مراحل پایانی ساخت خود رسیده است این فیلم میتواند چالش برانگیزترین نقش جدی کارل کمدين امریکایی باشد.

فیلمبرداری فیلم موزیکال درون جنگل (راب مارشال) به پایان رسید و فیلم وارد مراحل پس از تولید شد. در این فیلم جانی دپ، میریل استریپ و آنا کندریک نقش آفرینی می کنند. از جانی دپ همچنین



فیلم برتری (والی فیستر) بهار سال آینده اکران خواهد شد.

قسمت دوم انیمیشن چگونه اژدهای خود را تعلیم دهیم تابستان سال آینده اکران خواهد شد. جرارد باتلر، کیت بلانشت و جونا هیل در این انیمیشن صداپیشگی کرده اند. باتلر همچنین قرار است در قسمت دوم المپ سقوط کرده هم بازی کند.

زمان اکران قسمت دوم مردی از فولاد از سال ۲۰۱۵ به تابستان ۲۰۱۶ تغییر کرد. در این قسمت که فعلا نام اولیه بتمن علیه سوپرمن برای آن انتخاب شده است بن افلک در نقش بروس وین (بتمن) ظاهر می شود و هنری کاویل بار دیگر در قامت کلارک کنت (سوپرمن) ایفای نقش می کند. شنیده ها حاکی از این است که در این فیلم برای اولین بار شاهد نبرد بتمن و سوپرمن بر روی پرده نقره ای خواهیم بود.

هیو جکمن در اقتباس جو راییت از داستان پیتر پن بازی خواهد کرد تاریخ اکران این فیلم با نام پن که هم اکنون در مرحله پیش تولید قرار دارد سال ۲۰۱۵ اعلام شده است.

فیلم جدید پل تامس اندرسون (مرشد) با نام گناه ذاتی وارد مراحل فنی شد. در این فیلم خواکین فینیکس، جاش برولین و اوون ویلسون



معرفی کتاب:

## "فاطمه، فاطمه است"

آرمین رزم دیده

"یکی به دروغ خود را «متدین» می نامد و دیگری خود را «تمدن» و هیچکدام به تدین و تمدن ارتباطی ندارد. یکی تیپ ایده آلس را «فاطمه» و «زینب» معرفی می کند و دیگری «زن اروپایی» و هر دو، تهمت به هر دو است. یا دروغ می گویند یا با ایده آل هایشان بیگانه اند."

آنچه در بالا خواندید قسمت کوتاهی بود از کتاب "فاطمه، فاطمه است" به قلم «دکتر علی شریعتی». این کتاب با نثری روان و دل پذیر - که از مشخصه های نوشته های مرحوم شریعتی به حساب می آید - سعی در مبارزه با دو نوع تفکر پوشالی و سطحی - که هر دو به یک اندازه از تفکر معیار فاصله دارند- و ارایه ی یک تفکر به عنوان الگوی برتر دارد: تفکر اول متعلق به گروهی است که نگاه " زن سنتی و مقدس مآب" را دارد که در این تفکر "قدیمی بودن" به معنای "اسلامی بودن" است (!) و "مذهب" با "سنت" اشتباه گرفته می شود. این گروه همواره در بند تعصبات و خرافات و سنت های جاهلی بوده و نام "دین" بر "سطحی نگری" خود می گذارد. دیگر تفکر متعلق به گروهی است که "زن اروپایی" یا اگر بهتر بگوییم: "زن اروپایی مونتاز ایرانی" را الگوی خویش یافته است. از آن جهت گفته می شود مونتاز ایران که آنچه که نظام سرمایه داری به عنوان زن غربی به او عرضه میکند، پذیرفته است. سرمایگی داری زن را به یک ابزار سرگرمی و خوش گذرانی جنسی و اوقات فراغت برای مردان تبدیل کرده که اجازه ی فکر کردن به مردان راجع به مسایلی چون «هدف

زندگی» داده نشود. و از هنر کمک گرفته شده تا زیبایی روح و احساسات را به سکس تبدیل کند (جنسیت به جای عشق). از زنان غربی مدل ها و رقصه ها و بازیگران خوش قد و قامت را به او ( و به ما!) نشان داده اند نه امثال ماری کوری ها که در آزمایشگاه های پیشرفته مشغول پژوهشند. او زن اروپایی را -که الگوی اوست- آن گونه که هست شناخته و مونتاز شده ی هالیوودی آن را در یافته است. و در پایان شریعتی زن دیگری را معرفی می کند: "فاطمه" و تفکر دیگری: "زن فاطمه وار".

دکتر شریعتی در صد صفحه ی پایانی کتاب سعی در شناساندن "فاطمه" به مخاطبان دارد و آن گونه که خود می گوید: "فاطمه" را نمی توان در قالب هایی چون: دخت نبی، مادر حسن و حسین یا همسر علی تعریف کرد- که همه ی این تعابیر در برابر وجود فاطمه نا چیز است- "فاطمه در فاطمه بودن" معنی می یابد.



## سبک های موسیقی

محمد علی باقری مهر

حسی از پیوستگی و یکنواختی پدید می‌آورد. مطرح‌ترین چهره‌های این سبک موسیقی باخ، ویوالدی، هندل و آلبینونی هستند. مینیمال: ویژگی‌های کلی این موسیقی هارمونی‌های ثابت، پالس‌های یکنواخت، تغییر فرم آهسته و تدریجی و تکرار عبارت‌های موسیقی یا بخش‌های کوچک‌تر به مثابه موتیف‌ها یا سلول‌ها است.

پاپ: در اصل به معنی موسیقی عامه‌پسند می‌باشد. هنرمندان این سبک در سبک‌های راک، هیپ‌هاپ، دنس، کانتری هم می‌توانند فعالیت داشته باشند و این باعث می‌شود که تبدیل به سبکی انعطاف‌پذیر شود. پاپ معمولاً به عنوان موسیقی‌ای تعریف می‌شود که به شکل تجاری تهیه می‌شود یا هدف تولید آن سود مالی است.

راک: نام راک کوتاه شده عبارت راک اند رول است و از فعلی در زبان انگلیسی به معنای جنباندن و تکان خوردن می‌آید. موسیقی راک همچنین نیروی محرکه‌ای برای جنبش‌های فرهنگی و سیاسی بود. شاخصه راک ملودی صوتی و آوایی همراه با هارمونی است که توسط گیتار الکتریک، گیتار باس و درامز و اغلب با تأکید روی ضرب‌های قوی پشتیبانی می‌شود.

کانتری: سبکی موسیقی محلی در آمریکا است که به صورت بسیار گسترده در بسیاری از ایالت‌ها نواخته شده و طرفداران بسیاری نیز دارد. از آلات اصلی این سبک می‌توان به گیتار لپ استیل بانجو، ویلن، گیتار و هارمونیکا (سازدهنی) اشاره نمود.

هیپ هاپ: موسیقی هیپ هاپ، عموماً از یک یا چند خواننده رپ که داستان‌های شبه خود زندگی نامه تعریف می‌کنند تشکیل شده‌است. این داستان‌ها اغلب مربوط به یک همتای خیالی، و به صورت اشعار بسیار ریتمیک پر از تکنیک‌هایی همچون همگونی مصوت‌ها، تجانس آوایی، و قافیه است.

سبک، گونه یا ژانر موسیقی یک مقوله یا نامی قراردادی است که برای توصیف صفات قطعه‌هایی از موسیقی که متعلق به رسوم مشترک هستند یا دسته‌ای از قراردادها می‌باشد، بکار می‌رود.

در مورد موسیقی بداهه ساده‌ترین و کوتاه‌ترین تعریفی که می‌توان داشت اینست که بگوییم "چیدمان آنی از محفوظات موسیقیدان" در نگاه اول این موضوع خیلی ساده و پیش پا افتاده به نظر می‌رسد، چون هر موسیقیدانی به هر حال محفوظاتی دارد و میتواند به دلخواه خود ترکیبی از آن بسازد. این ظاهر موضوع است ولی اگر عمیق‌تر بخواهیم به موضوع نگاه کنیم یعنی با دید هنری بخواهیم به موضوع نگاه کنیم آن وقت موضوع پیچیده می‌شود، مثالی بزنیم:

روی کیبورد کامپیوتر حروف و اعداد مختلف نوشته شده و طیفی است که کسی میتواند با بکارگیری دکمه‌های کیبورد ترکیبی از حروف و اعداد پدید آورد ولی این ترکیب به تناسب کمپوزیتور می‌تواند بی محتوا باشد و هم میتواند یک اثر علمی یا هنری باشد این مربوط به میزان دانش و بینش و تجربه و خلاقیت کمپوزیتور است پس ما برای اینکه یک موسیقی بداهه خوب و هنری داشته باشیم به موسیقیدانانی نیاز داریم که اهل دانش و بینش و تجربه و تکنیک و مهارت و خلاقیت باشد

در ادامه سبک‌های اصلی این هنر به اختصار توضیح داده می‌شود: کلاسیک: به موسیقی هنری اروپا گفته می‌شود. شروع این موسیقی را از سده‌های میانه در حدود سال ۵۰۰ پس از میلاد می‌دانند. از هنرمندان این سبک می‌توان از هایدن، موتزارت و بتهوون نام برد. باروک: باروک کلمه‌ای ایتالیایی و به معنی زخمخ و ناهنجار است و از کلمه باروکو در ایتالیایی به معنی مروارید صیقل نیافته گرفته شده است. یک قطعه باروک، اغلب فقط بیان‌گر یک حالت است - قطعه‌ای که شاد آغاز می‌شود، تا پایان شاد می‌ماند. ملودی باروک نیز





## نواى آسمانى!

آرمين رزم ديده

صدایی رسا با تحریرهایی زیبا! او اولین کسی بود که توانست بین موسیقی سنتی و پاپ پل بزند. کمتر کسی را می توان یافت که صدای "محمد اصفهانی" را شنیده باشد و تحت تاثیر قرار نگرفته باشد. "دکتر محمد اصفهانی" از خوانندگان نسل اولی است که همیشه طرفداران پر و پا قرصی در بین علاقمندان موسیقی پاپ داشته است. اصفهانی با پیشینه موسیقی سنتی وارد موسیقی پاپ شده و نمونه ی بارزی است از : "برای مدرن بودن باید اول کلاسیک بود" . مطمئنا حکایت توفیق و ماندگاری اصفهانی هم از این دست است. محمد اصفهانی نوستالژی ای است برای دو نسل : از "ولایت عشق" تا "ارمغان تاریکی"

محمد مهدی واعظ اصفهانی روز ۱۴ تیر ماه سال ۱۳۴۵ در تهران به دنیا آمد. پدرش اهل اصفهان بود و مادر ایشان متولد تهران هستند. مرحوم پدر ایشان وقتی زمزمه و صداهای محمد را شنیدند و تشخیص دادند که می تواند بخواند سعی کردند با راهنمایی و سوق دادن وی به سمت قرآن کریم به خواندن وی شکل و جهت ببخشند.

تحصیلات ابتدایی را در دبستان علوی به پایان برد و در مسابقات قرآن قبل از انقلاب در رده نوجوانان مقام کسب کرد. تاکنون در محافل مهم بسیاری از حضور محمد اصفهانی برای قرائت قرآن استفاده شده است شاید بتوان گفت مهم ترین محفل قرآنی محمد اصفهانی به دوازده سالگی او بر می گردد؛ وقتی که در دوازده بهمن سال پنجاه و هفت به هنگام ورود امام خمینی، آیات الهی با حنجره ی او در بهشت زهرا می پیچید. البته او در آن موقع سرود «خمینی ای امام» را به همراه دانشجویان و دانش آموزان اجرا کردند. مرحوم پدر ایشان هم صدای خیلی خوبی داشتند و نیز پزشک هم بودند و در زمان رژیم شاه جزو عناصر انقلابی به شمار می آمدند. پدر ایشان بارها و بارها زندانی شدند و فشار شکنجه های شدید را متحمل شدند و در سال ۱۳۵۹ و در زمانی که محمد تنها ۱۴ سال داشت به سبب شکنجه هایی که در زندانهای شاه متحمل شدند سکنه کرده و در گذشتند.



**آغاز فعالیت حرفه ای**

او در سال ۱۳۷۳ به عنوان اولین تجربه کاری تیتراژ سریال "آوای فاخته" را اجرا نمود او تا به امروز حدودا ۲۰ تیتراژ سریال

تحصیلش نشد او با رتبه ۱۷۶ کنکور در رشته پزشکی در دانشگاه علوم پزشکی تهران مشغول تحصیل شد و سر انجام در سال ۱۳۷۶ فارغ التحصیل در رشته دکترای پزشکی در طب عمومی شد.

**محمد اصفهانی برترین خواننده دهه ۸۰**

پس از اتمام سال ۹۰ پروژه عظیم مجله موسیقایی ترانه ماه - اولین و تنها ترین نشریه تخصصی پاپ ایران- آغاز شد. قرار بود بهترین های موسیقی دهه ۸۰ در ۲۲ رشته مختلف از نوازندگی و تراه سرایی تا رسد به تنظیم کنندگی و آهنگ سازی با رای ۸۰ تن از کارشناسان، خوانندگان، آهنگ سازان، تنظیم کنندگان، ترانه سرایان و تهیه کنندگان انتخاب و معرفی شوند. مهمترین بخش این رای گیری تخصصی: انتخاب محبوب ترین خواننده و قطعه دهه و چهره برتر موسیقی پاپ ایران در دهه گذشته بود.

نظر سنجی انجام شد و در نهایت محمد اصفهانی بهترین خواننده - محمد اصفهانی توانست گوی رقابت را از احسان خواجه امیری، رضا صادقی، و مانی رهنما برآید - ، بهترین قطعه شکایت هجران (آسیمه سر) و بهترین آلبوم نون و دلک با انتخاب گشت. با توجه به اینکه سه تن دیس مهم این نظرسنجی به یک شخص اهدا شد - و این خلاف عرف جشنواره های موسیقایی ست - ولی با این وجود به این سه بخش هیچ اعتراضی نشد(!). و به این ترتیب توانست گوشه ی کوچکی از مزد تلاش های ۲۰ ساله ی خود

به فرهنگ این ملت و کشور را دریافت کند.

و فیلم سینمایی را از قبیل: "یه تیکه زمین، تکیه بر باد؛ ارماغان تاریکی، وفا، ولایت عشق، رستگاران، شکرانه، تنهاترین سردار، ستاره سهیل، پهلوانان نمی میرند، زیرهشت، تا ثریا، معصومیت از دست رفته، آخرین دعوت، آتش و شبنم و فیلم های سینمایی اخراجیها ۱ و بوسیدن روی ماه \_ عاشقانه ای که تقدیم به مادران ایرانی شدو دکلمه آن را نگار جواهریان اجرا کرده است" - را در کارنامه خود دیده است. او در ۲۰ سال فعالیت هنری خود تا به امروز ۱۲ آلبوم به نامهای: "حسرت، هفتسین، النور (آلبومی تماما عربی که شامل ادعیه و مناجات است)، گلچین (آلبومی مذهبی در نعت حادثه کربلا) ماه غریبستان (تقدیم به علی ابن ابیطالب) ، نون و دلک (برترین آلبوم دهه ۸۰)، ولایت عشق، فاصله، تنها ماندم، برکت و بی واژه با همکاری بزرگانی چون استاد مرحوم همایون خرم ، استاد مرحوم بابک بیات و فریدون شهبازیان و امروزی هایی چون آریا عظیمی نژاد، علی کهن دیری، پویا نیک پور و بهروز

**جریان شناسی برخی آلبوم ها:**

صغاریان منتشر کرده است. آلبوم حسرت در سال ۱۳۷۷ منتشر شد این آلبوم را می توان شروع رسمی فعالیت هنری محمد اصفهانی نامید با توجه به پخش همزمان ویدیو کلیپ این آلبوم در صدا و سیما ، این آلبوم توانست به معروفیت مطلوبی برای یک خواننده ی جوان برسد.

آلبوم تنها ماندم: مطمئن آلبوم تنها ماندم نقطه ی عطفی برای دکتر اصفهانی بود. در سال ۷۸ قرار بود آثار ماندگار استاد همایون خرم با نوازندگی ایشان و گروهشان باز خوانی شود. نکته جالب انتخاب محمد اصفهانی ۳۳ ساله برای این مهم بود. این آلبوم که از مفاخر موسیقی ایرانی با قطعاتی چون: "غوغای ستارگان (امشب در شب شوری دارم)" و "تنها ماندم"، محمد اصفهانی را بر سر زبانها انداخت. (غوغای ستارگان از شاهکار های موسیقایی ایران محسوب می شود.)

نون و دلک: سال ۸۱ آلبوم نون و دلک با استقبال تاریخی مردم مواجه شد تا آنجا که طبق آمار رسمی وزارت فرهنگ این آلبوم تا سال ۹۰ پر فروش ترین آلبوم تاریخ موسیقی کشور بود. - پس از آن را نگارنده اطلاع ندارد! - نون و دلک اولین آلبوم تماما پاپ سنتی بود. (تحریر های خاص و اشعار کلاسیک و سازهای سنتی که با همراهی ارکستر پاپ همراه است فرم پاپ سنتی را



در یک اثر شکل می دهد) این آلبوم شامل قطعات ماندگاری چون: "جان من کجایی، آسیمه سر(شکایت هجران)؛ با شوق تو و نون و دلقک" بود. در این آلبوم همایون خرم و بابک بیات با محمد اصفهانی همکاری داشتند.

آلبوم برکت: سال ۸۴ پس از حدودا سه سال و تاخیری نسبتا طولانی مدت محمد اصفهانی آلبوم برکت که به نظر نگارنده قویترین و پر مخاطب ترین آلبوم اوست را منتشر کرد. برکت آلبومی بود که محمد اصفهانی را به مرد شماره یک موسیقی آن روزهای کشور مبدل کرد. "مرو ای دوست، با تو ستاره می شوم، دست از طلب ندارم، شکوه باور من (تو ستاره غریبی) و ماه نو(تقدیم به پیامبر اکرم)" از قطعات این آلبوم است.

### پاداش سکوت!

در سال ۱۳۸۹ محمد اصفهانی پس از ۵ سال سکوت مطلق آخرین آلبومش تا به امروز را منتشر کرد؛ بی واژه آلبومی بود که چند قطعه از آن در استانبول ترکیه و با نوازندگی نوازندگان معروف ترک ساخته و پرداخته شده بود این آلبوم در دو هفته اول بیش از دو بیست هزار نسخه فروخت و درنوع خود یک رکورد به حساب می آید. در این آلبوم گرایش پاپ اصفهانی بیشتر خود را نشان می

دهد. همکاری با آریا عظیم نژاد و علی معلم و عبدالجبار کاکایی را در این آلبوم شاهد هستیم. "بی واژه، غم دوری، فردای پنهانی، اگه باشی، باور نکن تنهاییت را، خیال کن که غزالم، خورشید فردا و معجزه" از قطعات این آلبوم محسوب میشوند.

### یه تیکه زمین و ارمغان تاریکی

نهم تیر ماه امسال در مراسمی که به همت سایت تحلیلی موسیقی ما در تجلیل از برگزیده های نخستین جشن سالانه این سایت در تالار وحدت برگزار شد. محمد اصفهانی به خاطر تیتراژ سریال "یه تیکه زمین" موفق به دریافت تندیس بهترین تیتراژ تلویزیونی کارشناسان شد.

برنامه تلویزیونی ساعت ۲۵ که دومین برنامه موسیقایی پس از برنامه دستان محسوب می شد نسبت به برگزاری نظر سنجی انتخاب بهترین تیتراژ تلویزیونی اقدام کرد. این نظر سنجی از بین ۲۷۳ تیتراژ تلویزیونی آغاز شد و در مرحله بعد به ۱۰۰ تیتراژ که سهم محمد اصفهانی ۱۱ تیتراژ بود - که از لحاظ تعداد رکورد دار بود- رسید و در نهایت از بین ۵ گزینه به انتخاب مردم، محمد اصفهانی با ارمغان تاریکی توانست در کنار احسان خواجه امیری (نابره رنج)، شهر باران (محمد عزیزاده)، محسن یگانه (آسمان همیشه ابری

نیست) و حمید عسگری (دختران حوا) قرار بگیرد.

### حنجره الهی!

علاقتمندان به محمد اصفهانی او را صاحب "حنجره ای الهی" و نوای او را "نوایی آسمانی" می دانند از آن جهت که در آثاری که به زبان عربی خوانده است و غالبا هم ادعیه های دینی هستند نوعی معنویت عمیق وجود دارد. شاید این سخن طرفداران وی اندکی اغراق آمیز به نظر آید ولی در بطن کار درست است. به عبارت دیگر محمد اصفهانی به دلیل طنین صدایش که با حجم مطلوب و تسلط بر ادوات صوتی حنجره اش آمیخته و احساسی که در قطعاتش وجود دارد و انتخاب اشعار و ملودی های فرا زمینی - که برای او ارزش محسوب می شود- هم در فرم سنتی و هم در فرم پاپ، توانسته به خیلی ها ثابت کند که روی اصلی موسیقی باید برای گسترش انسانیت و معنویت به کار گرفته شود. و به قول خودش: "موسیقی مانند چاغوی دولبه است؛ هر موسیقی ای که ما را به خدا نزدیک کند و برپایه ی ارزش ها باشد درست است و روی دیگرش می تواند خطرناک باشد."

### آسیمه سر!

یکی از بهترین قطعاتی که دکتر محمد اصفهانی تا کنون اجرا نموده است قطعه ی "آسیمه سر" است. ابتدای این اثر آواز "شکایت هجران" با تار دل نواز آریا عظیمی نژاد همراه است و قسمت دوم آسیمه سر است که نیم پرده بالاتر اجرا شده است. استاد بابک بیات آهنگ ساز و تنظیم کننده این اثر این چنین گفته است: "آهنگ آسیمه سر را آنقدر نگه داشتم تا یک صدای مناسب اجرا پیدا کنم و خوشحالم که این امانت را به صاحب اصلی اش سپردم."

### سخن آخر

دکتر محمد اصفهانی نه تنها یک خواننده و آهنگساز یگانه و بی همتاست بلکه الگوی شخصیتی ایده آلی برای نسل جوان به شمار می آید. مراجعه به یک بیوگرافی ساده و کوتاه از زندگی او این مطلب را اثبات می کند. اصفهانی صدای ماندگاری است که تا قرون دیگر هم نظیر آن ظهور نخواهد کرد. به دیگر روی محمد اصفهانی علاوه بر هنرمندی تکرار ناشدنی، انسانی اصیل و نجیب نیز هست.



# یک نفر در آب دارد می سپارد جان!

آرمین رزم دیده

در زندگی روزمره ما شعرهایی وارد زبان محاوره‌مان شده‌اند که از فرط تکرار جزء جدا نشدنی ادبیات گفتاری ما هستند. در گزارش زیر برخی از این شعرها را مرور می‌کنیم.

نفسم گرفت از این شب، در این حصار بشکن (محمدرضا شفیعی کدکنی)

حال همی ما خوب است اما تو باور مکن (سید علی صالحی)

و ناگهان چقدر زود دیر میشود (قیصر امینپور)

لبخند تو خلاصهی خوبیهاست (قیصر امینپور)

سرایا اگر زرد و پژمرده‌ایم / ولی دل به پاییز نسپردیم...  
(قیصر امینپور)

مرغ سحر ناله سر کن / داغ مرا... (ملکالشعرا بهار)

مرا تو بیسبی نیستی / بهراستی / صلت کدام قصیده‌ای / ای  
غزل؟ (احمد شاملو)

به کجا چنین شتابان؟ (محمدرضا شفیعی کدکنی)

نفسم گرفت از این شب، در این حصار بشکن... (محمدرضا شفیعی کدکنی)

من اگر بنشینم، تو اگر بنشینی، چه کسی برخیزد؟ (حمید مصدق)

...باغچه‌ی کوچک ما سبب نداشت (حمید مصدق)

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را؟ (شهریار)



بغض چندین سالهی ما باز شد / یا علی گفتیم و عشق آغاز شد  
(محمود اکرامی)

باز این چه شورش است که در خلق عالم است؟ (محتشم کاشانی)

گر به تو افتدم نظر چهره به چهره رو به رو / شرح دهم غم تو را  
نکته به نکته مو به مو (طاهر قره‌العین)

با هر چه عشق / نام تو را میتوان نوشت (محمدرضا عبدالملکیان)

یاران چه غریبانه رفتند از این خانه (ابراهیم حسینیگی)

زندگی کردن من مُردنِ تدریجی بود / آنچه جان کند تنم، عمر  
حسابش کردم (فرخی یزدی)

باز باران با ترانه / با گهرهای فراوان... (گلچین گیلانی)

زندگانی، خواه تیره، خواه روشن / هست زیبا! هست زیبا! هست  
زیبا! (گلچین گیلانی)

صد دانه یاقوت، دسته به دسته / با نظم و ترتیب یکجا نشسته  
(مصطفی رحماندوست)

از خوابِ گران، خوابِ گران، خوابِ گران خیز! (اقبال لاهوری)

از خون جوانان وطن لاله دمیده (عارف قزوینی)

داد معشوقه به عاشق پیغام / که کند مادر تو با من جنگ  
(ایرجمیرزا)

آه دست پسرم یافت خراش! / آخ پای پسرم خورد به سنگ!  
(ایرجمیرزا)

بیا ره توشه برداریم / قدم در راه بیبرگشت بگذاریم (مهدی اخوان  
ثالث)

لحظهی دیدار نزدیک است / باز من دیوانهام مستم (مهدی اخوان  
ثالث)

پادشاه فصلها؛ پاییز! (مهدی اخوان ثالث)

قاصدک هان چه خبر آوردی؟ (مهدی اخوان ثالث)

هوا بس ناجوانمردانه سرد است (مهدی اخوان ثالث)

به آفتاب سلامی دوباره خواهم داد (فروغ فرخزاد)

صدا کن مرا / صدای تو خوب است... (فروغ فرخزاد)

باد ما را خواهد برد (فروغ فرخزاد)

نبستهام به کس دل، نبسته کس به من دل... (سیمین بهبهانی)

دستبگوش و فشرده‌پلک و خمیده / یکسره جیغی بنفش / میکشد  
(هوشنگ ایرانی)

گاهی دلم برای خودم تنگ میشود (محمدعلی بهمنی)

تنهاییام را با تو قسمت میکنم سهم کمی نیست... (محمدعلی  
بهمنی)

دل من یه روز به دریا زد و رفت... (محمدعلی بهمنی)

این جا برای از تو نوشتن هوا کم است... (محمدعلی بهمنی)

به سراغ من اگر می‌آید / نرم و آهسته بیاید / مبادا که ترک بردارد /  
چینی نازک تنهایی من (سهراب سپهری)

آب را گل نکنیم (سهراب سپهری)

خانهی دوست کجاست؟ (سهراب سپهری)

و خدایی که در این نزدیکیست... (سهراب سپهری)

زندگی چیزی نیست که لب طاعنجهی عادت از یاد من و تو برود  
(سهراب سپهری)

چشمها را باید شست... (سهراب سپهری)

زندگی آبتنی کردن در حوضچهی اکنون است (سهراب سپهری)

گاه زخمی که به پا داشتهام / زیر و بمهای زمین را به من آموخته  
است (سهراب سپهری)

کار ما نیست شناسایی راز گل سرخ (سهراب سپهری)

دل خوش سیری چند؟ (سهراب سپهری)

بزرگ بود و از اهالی امروز بود (سهراب سپهری)

به کجای این شب تیره / بیاویزم قبای ژندهی خود را (نیما یوشیج)

تو را من چشم در راهم شباهنگام (نیما یوشیج)

آی آدمها که بر ساحل نشسته شاد و خندانید! / یک نفر در آب دارد  
میسپارد جان (نیما یوشیج)

میتراود مهتاب / میدرخشد شبتاب... (نیما یوشیج)

غم این خفتهی چند / خواب در چشم ترم میشکند... (نیما یوشیج)

هر که باشی و به هر جا برسی / آخرین منزل هستی این است (پروین اعتصامی)

عشق را ای کاش زبان سخن بود (احمد شاملو)

روزگار غریبست نازنین (احمد شاملو)

که خاموشی / با هزار زبان / در سخن است (احمد شاملو)

تو بزرگی مث شب.. (احمد شاملو)

من درد مشترکم / مرا فریاد کن (احمد شاملو)

اگر که بیهده زیباست شب / برای چه زیباست؟ / شب / برای که زیباست؟ (احمد شاملو)

آی عشق! / آی عشق! / چهرهی آیات پیدا نیست (احمد شاملو)

نازلی! بهار خنده زد و ارغوان شکفت / در خانه زیر پنجره گل داد یاس پیر... (احمد شاملو)

بیتو مهتاب شبی باز از آن کوچه گذشتم... (فریدون مشیری)

یاد آر ز شمع مرده یاد آر (علیاکبر دهخدا)

در این سرای بیکسی کسی به در نمیزند (هوشنگ ابتهاج، سایه)

با من بیکس تنهاشده یارا تو بمان / همه رفتند از این خانه، خدا را  
تو بمان (هوشنگ ابتهاج، سایه)

ای عشق همه بهانه از توست / من خامشم این ترانه از توست (هوشنگ ابتهاج، سایه)

مژده بده مژده بده یار پسندید مرا / سایهی او گشتم و او برد به  
خورشید مرا (هوشنگ ابتهاج، سایه)

نشود فاش کسی آنچه میان من و توست / تا اشارتِ نظر نامهرسانِ من و توست  
(هوشنگ ابتهاج، سایه)

گوش کن با لب خاموش سخن میگویم / پاسخم گو به نگاهی که زبان من و توست  
(هوشنگ ابتهاج، سایه)

عشق شادیست، عشق آزادیست / عشق آغاز آدمیزادیست (هوشنگ ابتهاج، سایه)

این فصل را با من بخوان باقی فسانهست / این فصل را بسیار خواندم عاشقانهست  
(علی معلم دامغانی)

وفا نکردی و کردم، خطا ندیدی و دیدم / شکستی و نشکستم،  
بریدی و نبریدم (مهرداد اوستا)



# طنز وارِه

آرمین رزم دیده

و طنزی دیگر:

شعر زیر از آقای سعید بیابانکی شاعر طنز پرداز معاصر:

یک روز از بهشت  
دزدیده ایم یک سیب  
عمری است در زمین ات  
هستیم تحت تعقیب

خوردیم در زمین ات  
این خاک تازه تاسیس  
از پشت سر به شیطان  
از روبرو به ابلیس

از سکر نامت ای دوست  
با آن که مست بودیم  
مارا ببخش یک عمر  
شیطان پرست بودیم

حالا در این جهنم  
این سرزمین مرده  
تاوان آن گناه و  
آن سیب کرم خورده

باید میان این خاک  
در کوه و دشت و جنگل  
عمری ثواب کرد و  
برگشت جای اول ...!

روبهی در راه سختی میگذشت  
ناگهان از فرط پیری درگذشت  
زاغکی هم با پنیرش بر درخت  
گفت: لعنت بر دکان حال و بخت  
بار اول، او پنیرم را ربود  
خر تر از من گو در این عالم نبود  
آخر ای زاغک چرا ممتز شدی  
با تملقهای ساده، خر شدی  
در همین هنگام روباهی دگر  
گفت: جانم ای مسما، ای جگر  
ای سیه چشم و سیه ابرو، سلام  
ای سیه خال و سیه گیسو، سلام  
ای لب و منقار تو، قند و نبات  
بر من مسکین، لبالب کن زکات  
گونههایت از حیا گل کرده است  
دست و پای بنده را شل کرده است  
لیک دستم کوتاه و رویت سراب  
هی پر و خالی شود چشمم ز آب  
زاغک ساده به خود گفتا چنین:  
روبه اول نگفتا این چنین  
خاک بر گور تو زاغ بی کلاس  
جملهای گو تا نگرذی آس و پاس  
زاغک و آن قیل و قال و قارقار  
میشود تکرار در این روزگار







## مشاقی و مهجوری

### آرمین رزم دیده

این کشورها برای برابری با زنان غربی از خود نشان می دهند حجاب و پوششی که دیروز بر زن شرقی کشیده شده بود از میان می رود و همراه آن از جاذبه ی او هم کم می شود.

شاید بتوان علت پیدایش پوشش در زنان را این گونه بیان کرد که: مادران به الگو و ترفندی دست یافتند که به وسیله ی آن می توانستند همواره در قلب مردان جای گیرند این الگو "ستر و پوشش" بود و آن را به دختران خود آموختند.

کند بلکه باید حایلی بین خودش و مرد به وجود آورد. هرچه این دوری و فراق بیش تر می بود، اشتیاق مرد برای وصال بیش تر می شد. . به طور کلی می توان گفت: رابطه ای است میان دست ناری و فراق از یک طرف، و عشق و سوز و گرانبهایی از طرف دیگر. مرد بر خلاف آنچه تصور می شود - یا وانمود می کند- در عمق وجود خویش از ابتذال زن و رایگانگی و تسلیم او متنفر است. آنچه بجویم و نیابیم عزیز و گرانبها می گردد. زن می دانست که برای محبوب ماندن باید آتش عشق مرد را بگدازد. به زبان سعدی شیرازی:

دیدار می نمایی و پرهیز می کنی  
بازار خویش و آتش ما تیز می کنی

مسلمای شما هم عجیب به نظر می رسد سخنی که یکی از مجلات از آلفرد هیچکاک -شخصی که سینما وامدار اوست- نقل می کند: "من معتقدم که زن هم باید مثل فیلمی پرهیجان و پراثرتریک باشد، بدین معنی که ماهیت خود را کمتر نشان دهد و برای کشف خود مرد را به نیروی تخیل و تصور زیادتری وا دارد. زنان شرقی تا چند سال پیش به خاطر حجاب و نقاب و روپبندی که به کار می بردند خود به خود جذاب می نمودند و همین مساله جاذبه ی نیرومندی به آنها می داد. اما به تدریج با تلاشی که زنان

آنچه نگارنده در این سیاهه به آن می پردازد بررسی علت پیدایش "پوشش" به صورت عام آن است و قرار نیست راجع به مسایلی چون: حجاب اسلامی، حجاب در سایر ادیان و یا حدود پوشش بحث شود.

به نظر می رسد ریشه ی پوشش را باید در تدبیر غریزی خود زن جستجو کرد. عفاف و پوشش تدبیری بود که زن برای گرانبها کردن خویش در برابر مرد به کار برد؛ زنان پس از مدتی دریافتند که در عرصه ی زندگی و رقابت با مردان توان رویارویی با مرد را نداشته و آن هنگام بود که نقطه ی ضعف مردان را در همان نیاز ازلی خلقت که در وجود مرد به ودیعه نهاده شده بود، دریافتند. نیازی که مرد را عاشق و طالب، و زن را معشوق و مطلوب، قرار داده بود. در طبیعت جنس نر گیرنده و دنبال کننده آفریده شده است. به قول ویل دورانت: "آداب جفتجویی عبارت است از: حمله برای تصرف در مردان، و عقب نشینی برای دلبری و فریبندگی در زنان. ... زن برای مرد همچون جایزه ای است که باید آن را برپاید."

هنگامی که زن موقعیت و نقطه ی ضعف مرد را در برابر خود دانست همان طور که به خود آرایی و زیورآلات متوسل شد که از آن راه قلب مرد را تصرف کند، متوسل به دور نگه داشتن خود از دسترس مرد نیز شد و دانست که نباید خود را به رایگانگی عرضه



# دوستان دیروز و همسران امروز!

## احسان محاسب

یکی از مهمترین مباحثی که امروزه در بین بعضی از آقایان و خانم های جوان مطرح است دوستی های قبل از ازدواج است که به بهانه ی آشنایی قبل از ازدواج ایجاد می شود.

سوال اصلی این جاست که آیا دوستی قبل از ازدواج می تواند شناخت ایجاد کند یا خیر؟ در ظاهر این مسئله بسیار واضح است که آشنایی و هم نشین بودن با یک شخص می تواند یک شناخت نسبی به طرفین بدهد، اما معمولاً شناخت صحیح وقتی شکل می گیرد که در فضای منطقی حاصل شود و منطبق و علم روانشناسی این نکته را تایید می کنند که ارتباط یک آقا و خانم جوان در مرور زمان وابستگی می آورد، بنا به گفته ی روان شناسان ارتباط هایی که بیشتر از شش ماه ادامه می یابد طرفین را چنان به هم وابسته می کند که در صورت جدا شدن، ممکن است با افسردگی های شدید مواجه شوند. از این رو در مدت آشنایی یا به اصطلاح دوستی طرفین به هم علاقه مند خواهند شد و این علاقه موجب وابستگی می شود و وقتی شخصی به کسی علاقه مند شد، اصولاً رفتاری نخواهد کرد که طرف مقابلش را ناراحت کند و طبیعتاً رفتاری از خود بروز می دهد که موجب خوشحالی و جلب رضایت طرف مقابل باشد، لذا نمی توان گفت که در این گونه روابط شناخت قابل قبولی ایجاد می شود.

اما از رهگذر این دوستی، ممکن است که طرفین زندگی مشترک را آغاز نمایند و یا بنابه دلائلی چون (مخالفت خانواده ها، مشکلات ژنتیکی، به تفاهم نرسیدن، و...) این رابطه به ازدواج ختم نشود.

ابتدا به بررسی قسمت اول می پردازیم: اگر این رابطه به ازدواج ختم شود ۲ مسئله اساسی زندگی زن و شوهر امروز و دوست دیروز را تهدید می کند-به دلیل مسائل عاطفی که در بالا به آن اشاره شد، طرفین در زمان دوستی نتوانسته اند واقعیت طرف مقابلشان را ببینند و یا اینکه متوجه بعضی

واقعیت ها و اختلاف ها شده اند ولی به دلیل وابستگی و علائقی که در بالا به آن اشاره شد، این اختلافات کم رنگ جلوه میشود و یا با جملاتی چون: من او را دوست دارم و تمام عیبهایش را میپذیرم و... از کنار آن ها میگذرند، لذا بعد از شروع زندگی مشترک، زن و شوهر خود را در یک فضای منطقی میبینند که این فضا اختلافات و واقعیت ها را به خوبی نشان می دهد، و این اختلافات باعث شروع کشمکش ها می شود و خطر دیگر ایجاد شک و سو ظن بین دو طرف هست و این سوال پرسیده میشود همسر

در همسر فعلی خود ببیند که در ارتباط با دوستش ندیده بوده است و این نکته بسیار طبیعی است که هر انسانی یک سری نکات مثبت و منفی دارد، لذا این نکته منفی، او را به یاد دوستش می اندازد که مثلاً چه انسان با محبتی بود و این عیب در او وجود نداشت، ولی همسرم این گونه نیست، لذا این مقایسه کردن ها و زنده کردن خاطرات دوران دوستی ممکن است، به سردی و بی میلی زندگی زناشویی منجر شود و یا حتی امکان ارتباط بادوست قبلی وجود دارد که خطر و گناهی بس بزرگ است.



من با دوستی رابطه اش را با من شروع کرد نکند الان یا در گذشته با فرد دیگری دوست باشد یا بوده است، که این شک و دو دلیلی می تواند با اختلافات مرحله قبل موجب بحران در زندگی این زن و شوهر شود.

اما اگر این دوستی به دلیلی به ازدواج ختم نشود، به دلیل وابستگی شدیدی که برای یک طرف یا هر دو طرف ایجاد شده است، ممکن است بعد از جدایی با افسردگی شدید و مزمن رو به رو شوند، اما با فرض این که بتوانند بر این افسردگی فائق آیند و طرفین با شخص های دیگری ازدواج کنند، در این ازدواج مسئله اساسی ای که ممکن است زندگی مشترک این زن و شوهر را تحت تاثیر قرار دهد، این است که چون این آقا یا خانم یا با شخص دیگری دوست بوده است، ممکن است نکات منفی

در پایان باید به این نکته اشاره کرد، که دوستی های قبل از ازدواج به دور از شان و شخصیت یک آقا و خانم بخصوص خانم هاست، چرا که نامردانی به ظاهر مرد، با مطرح کردن دوستی و آشنایی اولیه برای ازدواج دست به خواسته های پلید خود میزنند.



## شبکه های اجتماعی، در گاهی به سوی آینده!

حامد ملکی

افزون اعتبار به این شبکه ها و افزایش آمار طلاق بین کاربران خبر می دهد که در واقع به صورت خواسته یا ناخواسته کم رنگ شدن واز بین رفتن بسیاری از حریم ها میتواند علت اصلی این معضل باشد.

حال سوال اینجاست که راه کجاست و بی راهه چیست؟ آیا نمی توان از این ابزار قدرتمند بهتر استفاده کرد؟ برای مثال آیا نمی توان از این ظرفیت برای ایجاد همگرایی بین مردم استفاده کرد؟ یا برای مثال همین چند روز پیش که سرمای شدید شمال کشور را درنوردید و موجب قطعی گاز در آن مناطق شد آیا نمی توانستیم با همراه کردن دوستان خود در همین شبکه های اجتماعی گامی در صرفه جویی گاز برای کمک به هموطنان برداریم؟ چه خوب بود اگر می شد با استفاده از این ابزار به ترویج سبک ایرانی اسلامی زندگی پرداخت.

البته اگر بدبین نباشیم هستند کاربرانی همچون دکتر محمد جواد ظریف که استفاده ی مفید و سالمی از این ابزار می کنند. اما هر قدر هم که خوش بینانه نگاه کنیم باز هم نمی توان حمله ی عده ای را به صفحه ی اجتماعی مسی فوتبالیست مشهور را توجیه کرد.

به امید استفاده سالم تر از شبکه های اجتماعی

مطالب" و"امکان تبلیغات گسترده به منظور کمک به فضای کسب و کار" است .  
اما معایب حضور هکرها و لو رفتن رمز عبور کاربران و نشر اکاذیب با استفاده از صفحات هک شده که بیشتر دامن گیر افراد مشهور می شود.

عدم امنیت اطلاعات خصوصی که در دو حالت قابل بررسی است.

۱.حالتی که کاربر صادقانه اطلاعات خصوصی خود را در اختیار گردانندگان سایت بگذارد. این موضوع زمانی نگران کننده است که مشاهده می شود مدیران این شبکه ها رابطه ی نزدیکی با برخی از سیاستمداران دارند.

۲. اینکه کاربر با مشخصات جعلی وارد شود که در این صورت با مزیت اصلی شبکه های اجتماعی که همان یافتن دوستان قدیمی و جدید است در تناقض می باشد.

عیب دیگری که به نظر می رسد بیشتر از بقیه به چشم می خورد ناهنجاری های اخلاقی و تقلید کورکورانه ی برخی کاربران است استفاده از مضامین دور از شان انسانیت به منظور جذب مخاطب یا به عبارت دیگر مشتری. نبودن چارچوب در استفاده از شبکه های اجتماعی خود به خود دست کاربر را برای اینگونه استفاده ها باز میگذارد. از این هم غافل نشویم که آمارها از افزایش روز

تجزیه و تحلیل ها در شبکه های اجتماعی و تحلیل تئوری های موجود نشان می دهد که اصلی ترین نکته در هر شبکه ای "روابط" است که درک این روابط در مقیاس گسترده ای همچون شبکه های اجتماعی مشکل به نظر می رسد. این شبکه ها از خانواده گرفته تا اجتماعات میلیونی می توانند نقش آفرینی کنند. گاهی راه حلی می شوند برای گره های اجتماعی و گاه خود مشکلی از هزار مشکل پیش روی یک جامعه.

در ابتدا شاید تحلیل شبکه های اجتماعی کار بیهوده ای به نظر برسد چون برای بسیاری استفاده از امثال فیسبوک و توییتر تنها یک سرگرمی می باشد لیکن در پشت این سرگرمی پیش پا افتاده مسائلی نهفته است که با هم به بررسی آن می پردازیم.

همه ی دست ساخته های بشر در یک مورد خاص یعنی داشتن مزیت هایی همراه با معایب خاص خود اشتراک دارند. از مزایای این شبکه ها مواردی چون "یافتن دوستان قدیمی و ارتباط مجدد"، "ارتباط با دوستان کنونی"، "یافتن دوستان جدید"، "امکان بیان دیدگاه خود و دریافت نظرات دیگر کاربران"، "اطلاع از جدیدترین اخبار و نظرات مرتبط با آن"، "هزینه ی اندک و در دسترس بودن" "سرعت در به اشتراک گذاری



# کشف ذهنیات

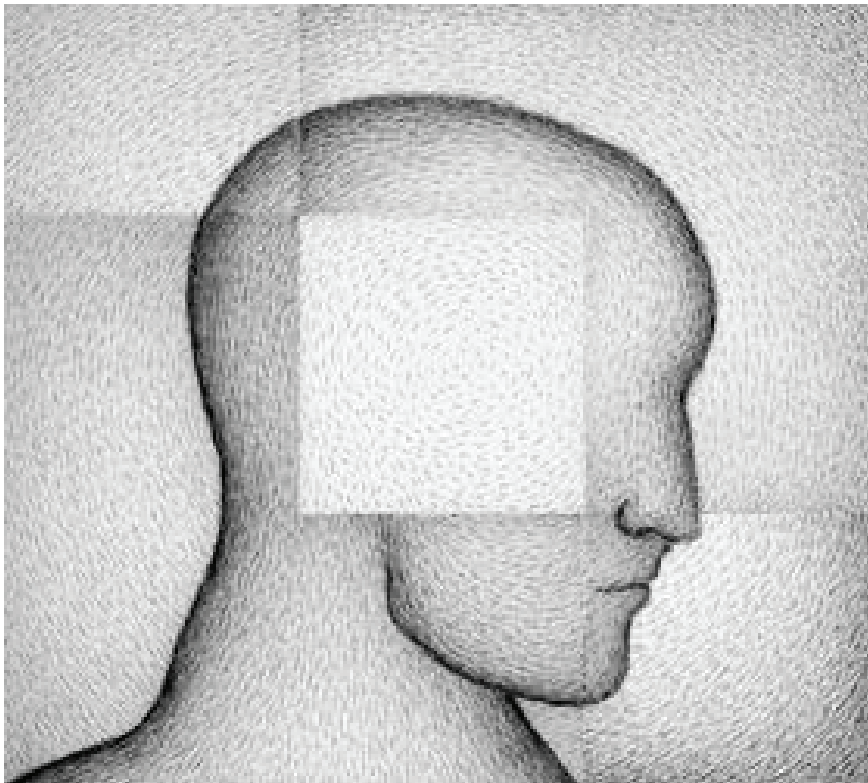
مرکز مشاوره دانشگاه

## مهارت‌های ارتباطی

چگونه می‌شود به درون افرادی که چیزی بروز نمی‌دهند پی برد؟

تاکنون بسیاری از دانشمندان روانشناس برای پاسخ به این سوال تحقیقات گسترده‌ای کرده و نظریات متفاوتی ارائه نموده‌اند، که برای اطلاع برخی از این نظریات می‌توانید به کتاب روانشناسی شخصیت شولتز و شولتز مراجعه نمایید. اما برخی از روانشناسان بازاری ملاک‌هایی برای کشف افکار و نیت‌های شخص مقابل ارائه داده‌اند که در اینجا به برخی اشاره می‌گردد. برای فهمیدن افکار پنهان و نیت‌های درونی افراد بایستی به نکته‌هایی توجه کرد تا بتوان به کمک این نکته‌ها ذهن افراد را خواند و از درون آنها آگاه شد.

یکی از روش‌های موثر ذهن خوانی، درک زبان بدنی (body language) است. در واقع افراد در حین حرف زدن، به صورت ناخودآگاه قسمتی از بدنشان را تکان می‌دهند و این حرکات نشان دهنده تفکرات و احساسات درونی فرد نسبت به موضوع جاری است. برای مثال وقتی از افراد راجع به شماره تلفن شان در ۱۰ سال پیش سوال کنید، آنها سعی می‌کنند از حافظه شان برای به خاطر آوردن آن کمک بگیرند و در این هنگام حرکتهای خاصی انجام می‌دهند و وقتی از آنها راجع به آرزویشان می‌پرسید آنها سعی می‌کنند تا تصویری را در ذهنشان بسازند و در این حین حرکات غب از حرکت



۷- چند حرکت و یا بدون حرکت: ممکن است شما سوالی را از فرد مورد نظر پرسید و فرد هیچکدام از حرکات فوق را انجام ندهد و به یک نقطه خیره شود. این بدین معنی است که فرد دارد سوال و جواب را به صورت تصویری بررسی و شبیه سازی می‌کند.

به خاطر داشته باشید که این واکنش‌ها برای تمامی افراد یکسان نیستند و ممکن است استثناهایی نیز وجود داشته باشد، ولی همین الان می‌توانید آنها را با دوستان تمرین کنید. در پایان به حالتهای بدنی ای اشاره می‌نمایم که می‌توانند بیانگر حالات روحی و روانی فرد به شمار آیند اگر چه برخی از آنها بسته به فرهنگ است و از ملتی به ملت دیگر تفاوت می‌کند.

خوددار: اگر شخصی دستهایش را پشت کمر خود قفل کند این امر نشان می‌دهد که وی خود را بشدت کنترل کرده است. در این حالت او سعی دارد خشم یا احساس ناامیدی را از خود دور کند. این فرد در واقع نشان می‌دهد که از اعتماد به نفس بسیار بالایی برخوردار است و میتواند در حالات مختلف بر خشم یا ناامیدی خود غلبه کند.

تدافعی: اگر انگشتان دستها به بازو گره خورده باشد این حالت نشان دهنده حالت

قبل انجام می‌دهند. محققان بر این باورند که افکاری همچون مثالهای بالا، هفت واکنش فیزیکی چشم را به دنبال دارند، که شما با تشخیص آنها می‌توانید تقریباً حدس بزنید که فرد به چه چیزی فکر می‌کند.

قبل از خواندن این ۷ واکنش، لازم است به ۲ نکته مهم توجه کنید: ۱- این واکنش‌ها بر اساس افراد راست دست نوشته شده‌اند و در صورتی که فرد مورد نظر چپ دست است، باید آنها را برعکس در نظر بگیرید. ۲- منظور از راست یا چپ، دید شما نسبت به فرد انجام دهنده واکنش می‌باشد.

### واکنش‌های چشمی

۱- بالا - سمت راست: نشانگر جستجو و بازسازی رویدادی تصویری که در گذشته رخ داده است.

۲- بالا - سمت چپ: در حال ساختن تصویر و یا رویداد جدید.

۳- مستقیم - سمت راست: بخاطر آوردن صوتی که در گذشته شنیده شده است.

۴- مستقیم - سمت چپ: در حال ساختن کلمه و یا صوتی که در گذشته رخ نداده است.

۵- پایین - سمت راست: صحبت کردن شخص با ضمیر داخلی اش

۶- پایین - سمت چپ: به خاطر آوردن و یا تصور یکی از حواس، لامسه، بویایی و یا چشایی



تدافعی در برابر حمله غیر منتظره و ناگهانی یا بی میلی برای تغییر چهره شخص است. اگر انگشتها مشت شده باشند حالت بی میلی شدیدتر است در این حالت بهتر است با آرامش با شخص مورد بحث برخورد شود تا کم کم از حالت تدافعی خود خارج شده و ارتباطی مقبول را شروع کند.

متفکر: گره کردن دستها به دسته های صندلی نشان می دهد که شخص سعی دارد احساس خود را مهار کند اما قفل کردن قوزک پاها به یکدیگر حالت تدافعی است این حالت شاید بیشتر در مسافران مضطرب هواپیما به هنگام پرواز و فرود دیده شود. بسیاری از افراد این حالت را به نوعی رسیدن به تصمیمی بزرگ میدانند.

میتواند به سادگی این شرایط را به دیگری نیز منتقل کند.

مرموز: دستهای مشت شده در زیر چانه نشان میدهد که شخص نظریاتش را پنهان میکند و به شما اجازه می دهد تا صحبت خود را تمام کنید. آنگاه زمانیکه حرفهای شما پایان یافت در کمال آرامش به شما و نظریات شما حمله میکند. شگرد جالبی است. شخص ابتدا اطمینان شما را جلب میکند و سپس در نهایت آرامش به شما میگوید که شما و نظریاتتان را قبول ندارد.

مالکیت: قرار دادن پاها روی هر چیز (روی صندلی - میز - سکو و...) نشانه حالت مالکیت است. در یک میز گرد تنها رئیس اجازه دارد چنین حالتی داشته باشد و از این طریق آرامش خود را نشان دهد. روان شناسان این حالت را حالت مالکیت میدانند که در نهایت به عقیده فرد مورد نظر به موفقیت وی در کارها منجر خواهد شد. +

اعتماد به نفس: تکیه زدن به صندلی درحالتی که دستها پشت سر قفل شده نشان دهنده اعتماد به نفس قوی است. اگر شخصی در این حالت صحبت میکند به گفته های خود اعتماد دارد و اگر به صحبت های شما گوش میدهد به خود زحمت ندهید او خود همه ماجرا را میدانند.

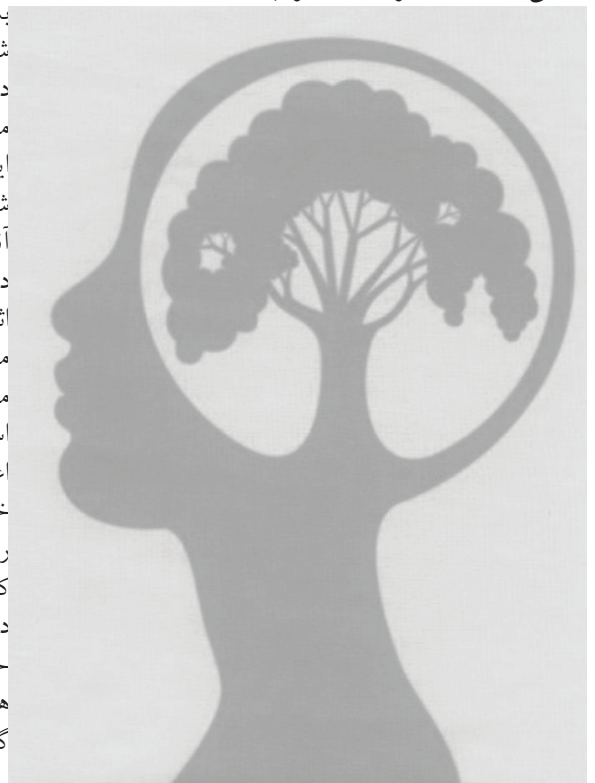
خیره نشان دهنده حالت تردید و دو دلی است. او به صحبت های شما و صحت گفته هایتان تردید میکند. در این حالت ممکن است آرنج روی میز قرار گرفته باشد به گفته برخی از روان شناسان نگاه خیره همیشه نشانه دو دلی است چرا که ثابت قدم و محکم بودن نگاه انسان را نیز مصمم و با اراده می سازد.

بی گناه: دستهایی که روی سینه قرار گرفته باشند بهترین نمونه برای حالت بی گناهی و درستکاری است. این حالت به عقیده بسیاری اثر باقیمانده ای از شکل سوگند خوردن است که در آن دست را روی قلب قرار میدهند. حالت تواضعی که در این عمل وجود دارد میتواند به شما بگوید که این فرد به رغم آنکه خود به بی گناهی اذعان دارد ولی نمیداند چگونه آنرا به اثبات برساند.

مطمئن: دستهایی که به کمر زده میشود در مردها نشان دهنده آن است که فرد به آنچه میگوید اعتقاد و اعتماد کامل دارد. خانمها هنگامی که دست خود را به کمر میزنند نشان میدهند که به آنچه میگویند اطمینان دارند. اما در هر دو مورد این حالت به ما میگوید که فرد به هر حال احساس اطمینانی در گفته ها و رفتار خود دارد که

دقیق: وقتی شخص انگشت سبابه خود را روی صورت و بقیه دستش را بصورت گره کرده در پایین صورتش قرار میدهد یعنی که فرد مورد نظر بسیار دقیق است. این حالت نشان میدهد که شخص با دقت زیاد به صحبت های شما گوش میدهد و یک یک کلمات شما را می سنجد و در عین حال در چهره او حالت انتقادی نیز به چشم میخورد اما این انتقاد جنبه دوستانه دارد و شاید بیشتر به منظور برقرار یک ارتباط بین دو نفر است.

دودلی: انگشتهای گره شده زیر چانه و نگاه





## "نامیرا"

مرتضی خواجه محمود آباد

ارزش خریدن را دارد!!!!!!//بهترین هدیه می تواند باشد/////

بی شک یکی از زیبا ترین رمان هایی که خواندم نامیرا نوشته صادق کرمیار بود.

نامیرا مجموعه ای از خورده داستان ها با شخصیت های عمیق است و پاسخ این سوال که چگونه ۱۸ هزار کوفی که به امام نامه دادند در عرض چند روز از تصمیم خود منصرف می شوند .

داستان به همین پاسخ ها اکتفا نمی کند بلکه خواننده را در مرحله

امتحان می گذارد و تمامی شک های مردم کوفه را در ذهن شما قوت می بخشد و شما را در تصمیم گیری رها می کند.

شاید تنها با خواندنش بفهمید که عمرو بن حجاج -از سردمداران دعوت امام به کوفه- که سعی می کرد سپاهی برای امام تهیه کند، چگونه با یک جلسه نشست و برخاست با والی خناس کوفه یک شبه از دوست به دشمن تبدیل می شود و سعی و همتش را بر این می گذارد که مقابل یاران امام حتی اگر دختر و دامادش باشند، بایستد؟

نامیرا یک رمان ساده نیست . یک دوره فتنه شناسی است! نبرد حق و باطل در بزنگاه تاریخ است .

امام امت :هر کسی می خواهد فتنه اخیر را بشناسد ، این کتاب را بخواند .

خواست برود لختی مکث کرد و دوباره رو به عبدالله برگشت و گفت:

«و اما من! هرگز برای امام خویش تکلیف معین نمی کنم، که تکلیف خود را از حسین

می پرسم. و من حسین را نه فقط برای خلافت، که برای هدایت می خواهم. و من... حسین را

برای دنیای خویش نمی خواهم، که دنیای خویش را برای حسین می خواهم. آیا بعد از حسین کسی را می شناسی که من جانم را فدایش کنم؟»

و رفت. عبدالله مات ماند. وقتی مرد دور شد، عبدالله لحظه ای به خود آمد. برگشت و اسب خویش را آورد

و مرد را صدا زد:

«صبر کن، تنها و بی مرکب هرگز به کوفه نمی رسی!»  
مرد ایستاد و افسار اسب را گرفت و گفت:

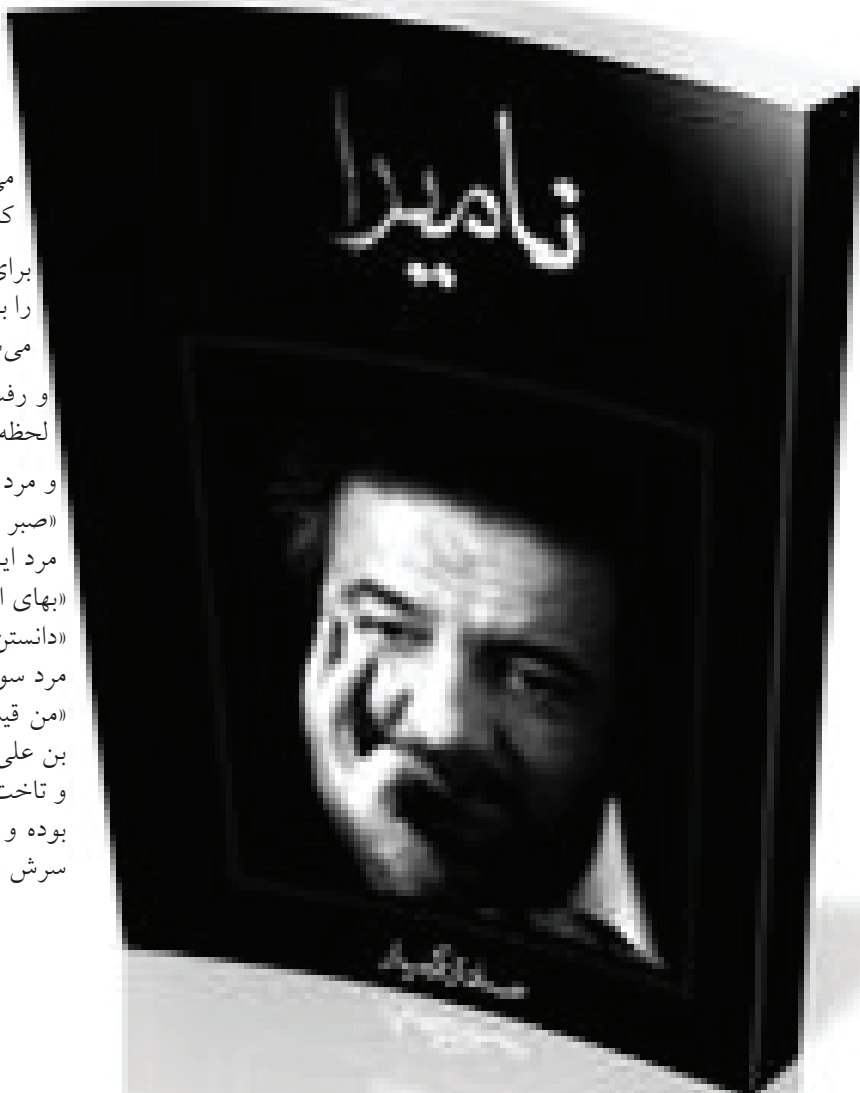
«بهای اسب چقدر است؟»

«دانستن نام تو!»

مرد سوار بر اسب شد:

«من قیس بن مسهر صیداوی هستم. فرستاده ی حسین بن علی!»

و تاخت. عبدالله مانند کسی که گویی سال ها در گمراهی بوده و تازه راه هدایت را یافته بود، به زانو نشست و سرش را میان دست ها گرفت.



# باد سرد تفرقه در کمین نهال های نورسیده

سید مهدی حسینی

وحدت یعنی یکدل شدن نه یک فکر شدن. وحدت کنار گذاشتن افکار خود نیست بلکه احترام گذاشتن به نظرات مخالف خود است. وحدت نه هدف است نه وسیله؛ وحدت کلید پیروزی است.

امروز همه شاهدند که اختلاف بین مذاهب اسلامی چگونه به دامان مسلمین جهان آتش افروخته و بر کسی پوشیده نیست که این آتش بر اثر حيله گری استکبار و غفلت مسلمین در خانه آن ها افتاده است.

مستر همفر (جاسوس انگلیس در کشور های اسلامی) در کتاب خود آورده است: «ما انگلیسی ها فقط با ایجاد فتنه، تفرقه و درگیری در تمام مستعمره هامان می توانیم در رفاه زندگی کنیم.» و در جایی دیگر نوشته است: «باید بودجه کافی برای ایجاد تفرقه و درگیری بین مسلمانان اختصاص دهیم.»

این قلم قاصر در این صفحه بنا ندارد ابعاد اختلاف بین مسلمین را تبیین کند. بلکه هدف چیز دیگری است.

ما باید از این اختلافات درس عبرت بگیریم. باید بنگریم، آنگاه که اختلافات عمیق می شود چگونه طوفانی به پا می کند که شاخ و برگ های هر دو طرف دعوی را می لرزاند. امروز در کشور همیشه سرافراز ایران اسلامی، اختلاف نظر ها و جهت گیری های سیاسی، گاه آنچنان عمیق می شود که دست به تکفیر یکدیگر می زنند. عده ای به جهت پابندی به اصول و آرمان های انقلاب در طیف اصول گرایی قرار دارند و گروهی دیگر، از آن جهت که با برخی اقدامات عناصر شاخص اصولگرایی مخالفند و یا خواستار اصلاحاتی در ابعاد اجرایی نظام اند خود را اصلاح طلب نامیده اند.

اما به وضوح دیده می شود که در هر دوره، چه زمانی که حکومت در دست اصلاح طلبان بوده و چه در دورانی که اصولگرایان عهده دار مسئولیت بوده اند همه و همه برای اعتدالی نظام و خدمت به مردم اقدامات مهم و ارزشمندی انجام داده اند. اگر چه بر همه انتقاداتی وارد است که در جای خود با رعایت انصاف و عدالت قابل طرح و بررسی است.

دانشجویان ارزشی دانشگاه صنعتی قم پیش از این در تشکل های خود یک تنه گرداننده فضای سیاسی و فرهنگی دانشگاه بوده اند. اما امروز دانشگاه شاهد آن است که طیف فکری دیگری نیز توانسته است پا به عرصه تشکل های دانشجویی بگذارند.

این اختلاف نظر در جای خود خوب است. هر جا که بتواند آگاهی و بصیرت دانشجویان را ارتقا دهد و قدرت تفکر و تحلیل به آنان ببخشد و در کنار آن با تضارب آراء به میدان سیاست شور و حرارت ببخشد؛ مایه برکت است.

بزرگترین خطری که ممکن است این تشکل نورسیده و بلکه سایر گروه های دیگر را تهدید کند افتادن در دام جریانات سیاسی است که نه تعهدی به آرمان های انقلاب دارند و نه دلسوز ایران اسلامی اند. همانگونه که در دهه ۱۳۷۰ همه شاهد آن بودیم. باید همه هوشیار باشند و علاوه بر این که زمینه را برای فعالیت همه همفکران خود گسترده می کنند از نفوذ آن دسته از کسانی که انجمن و تشکیلات را دست آویز خود قرار می دهند و تخم نحس تفرقه را در دل ها می کارند با زیرکی تمام جلو گیری کنند.

آن گاه همه خواهند دید چگونه اختلاف دیدگاه به کمک ملت آمده و سربلندی ایران اسلامی را به ارمغان خواهد آورد. امروز هر قدمی که در راه ایجاد تفرقه میان صفوف امت اسلامی ایران برداشته شود در خدمت انگلیس و استکبار است. زنده باد آنکه در میدان دشمن تن به بازی با تیم حریف را نمی دهد، لیک نیک می داند که چه ببرد و چه ببازد به نفع دشمن است. بصیرت قرین قدم ها تان باد.



# وهابیت

محمد چیت ساز

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند: « در نجد (اطراف شهر ریاض - مرکز عربستان فعلی - و محل ظهور فرقه ی وهابیت) تمام زلزله ها و فتنه هاست و شاخ شیطان از آنجا طلوع خواهد کرد ». ( صحیح بخاری جلد ۸ صفحه ی ۹۵)

امروزه تمام طرح های براندازی شیعیان ، کشتار ، مقابله ، تحقیر و تضعیف آنها توسط رژیم صهیونیستی طراحی شده و برای به اجرا در آوردن آنها نیاز به بازوانی غیر محسوس دارد . یکی از این بازوهای اجرایی بسیار خطرناک وهابیت است. وهابیت جنبشی مذهبی است که منشاء آن خلفاء عباسی و اموی بوده و توسط محمد بن عبدالوهاب در قرن هجدهم بنیان گذاری شد . محمد بن عبدالوهاب معتقد بود تمام مطالبی که پس از قرن سوم هجری به اسلام افزوده شده جعلی است و بایستی از این مذهب حذف شود. در ذیل برخی از عقاید و اقدامات وهابیت را مطرح می کنیم :

۱) اعتقاد به اینکه اگر پیغمبر اکرم به پیامبری نمی رسید ، خداوند قصد داشت عمر ( خلیفه دوم ) را به پیامبری برگزیند .  
۲) وهابیت امام حسین (ع) را یک خروجی نامیده و قتل ایشان را واجب می داند .  
۳) نام گذاری مدرسه ای به نام یزید بن معاویه قاتل امام حسین(ع) سلاله پاک رسول الله و فرزندان و یاران باوفایش در عربستان  
۴) نام گذاری مدرسه ای به نام ابولهپ ( که خداوند در سوره مسد او و همسرش را لعن کرده است )



عبارت «حی علی الفلاح» از عبارت «الصلوة فی رحالکم» استفاده کرده است.  
۸) برگزاری نمازی جعلی به نام تراویح در رمضان که امسال بیش از ۲۰ شبکه تلویزیونی در سراسر جهان تصاویر این نماز که حدود دو ساعت به طول می انجامید را به طور زنده و همراه با ترجمه فارسی پخش کردند .  
۹) نیش قبر حجر بن عدی از صحابه بزرگوار پیامبر اکرم(ص) در سوریه توسط وهابیت  
۱۰) وارد شدن به آموزش و پرورش ایران به عنوان دبیر دینی و نابودی پایه های اعتقادی دانش آموزان ایرانی

۵) نام گذاری خیابان ابرهه حبشی همان کسی که می خواست کعبه مشرفه را در سالی که به عام الفیل معروف شد، ویران کند که خداوند، او و لشگرش را به عذاب دردناک گرفتار کرد.(سوره فیل )  
۶) تخریب قبور ائمه (س) و منزل و زادگاه پیامبر (ص)  
۷) تحریف اذان : مؤذن مسجدالنبی(ص) در شهر مدینه در اقدامی بی سابقه که بدعتی جدید به شمار می رود، بخشی از اذان را تغییر داده است. این مؤذن، روز سه شنبه ۱ بهمن ماه ۱۳۹۲ هنگام اذان صبح، به جای





وهابیت از جمله دشمنانی است که از لحاظ ظاهر مانند افراد متدین بوده و از لحاظ اعمال عبادی، اهل نماز و روزه مستحبی می باشد و علوم قرآنی از نظر ظاهری بسیار بهتر و زیبا تر از نزد آنان گفته می شود و به همین خاطر است که اکثر شیعیان و اهل سنت در مورد وهابیت متزلزلند. منشا و خاستگاه این گروه در عربستان سعودی بوده و توسط دلار های نفتی تامین میشود.

## وهابیت در ایران

قبل از انقلاب اسلامی، وهابیت و اهل تسنن اصیل ایرانی نه تنها راجع به اعتقادات خود صحبت نمی کردند بلکه از اینکه به مسلمانان بگویند که ما وهابی هستیم ترسیده و ابا داشتند و به هیچ عنوان در مبحث نشر عقاید خود بر نمی آمدند. در آن زمان مردم عوام از اعتقادات وهابیت و اهل تسنن اطلاعی نداشتند. ولی بعد از انقلاب اسلامی ایران، وهابیت احساس خطر کرد و تمام قوای خود را برای جلوگیری از نفوذ شیعه به کار گرفت و اکنون به مرحله ای رسیده است که بعضی از مبلغان وهابی در مکه و مدینه از بین ایرانیان اهل تسنن می باشند.

جای پای وهابیت در ایران در استان سیستان

یکی از دانشمندان بزرگ ایرانی به نام مرحوم علامه سید مرتضی عسگری (رحمه الله) با تاسیس دانشکده ای در بغداد و نیز با انتشار کتاب هایی نظیر نقش عایشه در اسلام، ۱۵۰ صحابه ساختگی، نقش ائمه در اسلام گام مهمی در راه مبارزه با وهابیت برداشته اند.

## مستبصرین

راستی و صداقت اهل بیت عصمت (ع) و محکم بودن گفتار آنها و حقانیت و مظلومیت این بزرگواران مخصوصا در راس آنها حضرت امیر (ع) و مظلومیت صدیقه طاهره (س) باعث شده که با تمام تبلیغات، امروزه از بین خود وهابیت گروهی به نام مستبصرین شکل گرفته و این گروه کسانی هستند که چشمانشان به حقایق باز شده و مذهب تشیع را انتخاب کرده و در کشور های اسلامی مثل نیجریه، تانزانیا، شمال آفریقا، لیبی، تونس، سودان، الجزایر و مغرب تعداد آنها از ۱۰ نفر به میلیون ها نفر رسیده است.

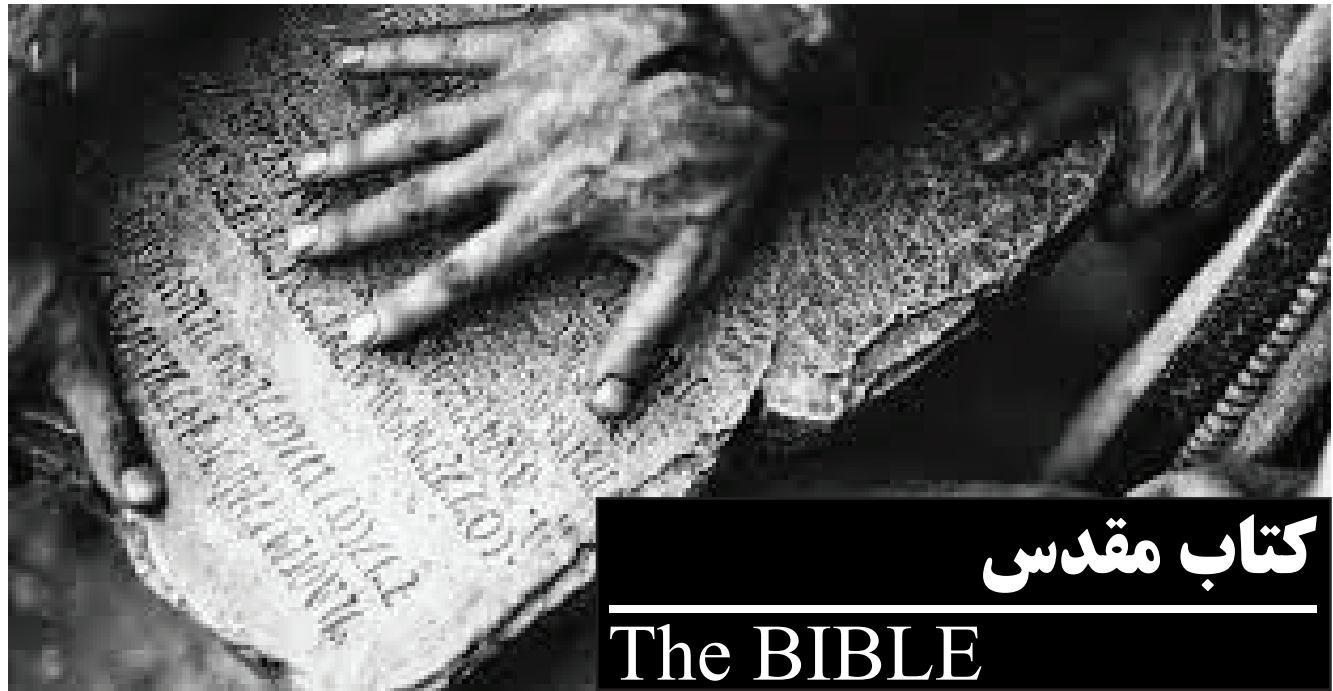
تعدادی از این گروه در ایران و در شهر مقدس قم مشغول فراگیری فقه و علوم شیعه و نوشتن کتب افشاگرانه می باشند. از جمله این افراد می توان محمد مرعی انتاکی، محمد کثیری، محمد شهاده فلسطینی، العصام العماد و دکتر تیجانی تونسسی را نام برد. آثاری نظیر از آگاهان پیرسید، اهل بیت کلید مشکل ها و همرا با راستگویان از جمله کتاب های نوشته شده توسط دکتر تیجانی می باشد.

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

« فَيَأْتُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ي وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ » آیه ۸ سوره تغابن: پس به خدا و فرستاده اش محمد و نوری که فرستادیم ایمان بیاورید و خدا به آنچه می کنید آگاه است.

در این آیه مقصود از نور همان ولایت امیر (ع) می باشد که هرگز از بین نرفته و باعث تکمیل اسلام می باشد و اعمال کفار مانند کسی است که می خواهد نور خدا را با فوت کردن خاموش کند. و این همان چیزی است که باعث شده تعداد زائران ابا عبدالله همه ساله بیشتر شود و وهابیت مصداق آیه قرآن است که می فرماید: « بدترین جنبنندگان کسانی هستند که تعقل نکرده و ایمان نمی آورند »





## کتاب مقدس

## The BIBLE

### محمد چیت ساز

خداست . این است که همواره جالب توجه مطالعه کننده واقع شده و ما نیز این کتاب را همچون معینی صادق خدمت مطالعه کنندگان عزیز تقدیم می داریم »

ماحصل جملات این کتاب و کتاب های دیگری همچون ده قدم اساسی به سوی رشد مسیح ، کتاب گلدن وینسی ، کتاب کشیش سارو خاچیکی و نیز کتاب مستر میلر بیان می کند که از اول کتاب مقدس تا آخر نظرتان باید این باشد که اینها همه اش الهام خدای متعال است. هیچ دستی از بشر در این کتاب ورود نکرده و هرچه است متعلق به خدای متعال است.

### اگر کتابی واقعاً کتاب خدا باشد باید دارای چه مشخصاتی باشد؟

کار اساسی دین عبارت است از پاسخ گویی به سه سؤال اصلی انسان. از کجا آمده ام؟ برای چه آمده ام؟ به کجا خواهیم رفت؟ اگر مطالبی را در کتابی یافتم که با گوهر شناخت (عقل) در تباین، در تضاد و در تناقض بود آنجا در اصل بودن آن کتاب شک کنید. نمی شود کتاب خدا با عقل انسان مخالفت کند.

در اینجا فقط به ذکر چند نمونه از تناقضات پرداخته و بقیه را بر عهده پژوهشگران محترم می گزاریم .

۱) سفر تثنیه باب ۳۴: مرگ موسی (ع) در سن جوانی بوده است ، حال سوال اینجاست که مگر تورات بر موسی نازل نشده بود ؟ و مگر موسی آن را برای مردم نخوانده بود ؟

۲) سفر پیدایش باب سوم : زمانی که ماجرای آدم و حوا مطرح می شود ، خداوند (العیاذبالله) دروغگو معرفی شده و چون نمی خواست که آدم و حوا مثل خداوند عارف نیک و بد شوند ، حسود بوده و شیطان رسوا کننده خداوند است .

مسیحیان برخلاف یهودیان که فقط تورات را قبول دارند ، کتابی به نام کتاب مقدس را ازان خداوند و عیسی مسیح می دانند . کتاب مقدس از دو کتاب جدا از هم تشکیل شده است . قسمت اول آن عهد عتیق و قسمت کمترش عهد جدید است که عهد قدیم همان تورات و عهد جدید همان انجیل است.

مهمترین قسمت تشکیل دهنده تورات پنج کتاب ( سفر ) است ( یحیی اسفارا که قرآن هم بکار برده است) و بیانات حضرت موسی ( علیه السلام ) می باشد و به ترتیب عبارت اند از : (۱) پیدایش (۲) خروج (۳) لاویان (۴) اعداد (۵) تثنیه البته کتاب های دیگری نیز به این پنج کتاب اضافه شده که عمدتاً توسط انبیا بنی اسرائیل بوده و شامل ۳۴ کتاب می باشد .

انجیل نیز شامل چهار انجیل که به نام اناجیل اربعه معروفند و علاوه بر این چهار انجیل، ۲۳ کتاب هم به این اناجیل اربعه ضمیمه است که متعلق به کسانی است که مسیحیان معتقدند رسالت عیسی مسیح علیه السلام را پس از ایشان، آنها به دوش کشیده اند مانند پولس، پطرس و ... این چهار انجیل به ترتیب عبارتند از: انجیل متی ، انجیل مرقس، انجیل لوقا ، انجیل یوحنا کلمه انجیل از یک کلمه یونانی به معنای مژده و بشارت گرفته شده است. مراد از مژده و بشارت، مژده به ایمان آوردن به عیسی مسیح ، مژده به ایمان آوردن به اینکه او فرزند خدا و قطعه ای از خود خدا ست ، مژده به اینکه او آمده است تا فدا شود و بر بالای صلیب برود تا گناهان همه انسان ها تا قیامت آمرزیده شود و مژده بر رجعت مسیح علیه السلام است.

### دلایل تحریف شدن

در صفحه ۵ کتاب قاموس کتاب مقدس نوشته مستر هاکس می خوانیم : « علی الجملة کتاب مقدس کلیتا الهامی واحد از جانب





۳) سفر پیدایش باب نوزدهم : پیامبر خدا حضرت لوط نه تنها صداقت و عصمت نداشته بلکه ( العیاذ بالله ) شخصی زناکار و دائم الخمر بوده و نسب حضرت عیسی به پسر نا مشروع لوط می رسد

۴) سفر پیدایش باب ۲۷ : حضرت یعقوب شخصی حقه باز بوده و با گول زدن پدرش اسحاق و گشتی گرفتن با خداوند به پیامبری رسیده است .

۵) سفر پیدایش باب ۱۱ : خداوند نزول نمود تا شهر و برجی را که بنی آدم بنا می کردند ملاحظه نماید

۶) تاریخ اصلاحات کلیسا : اناجیل ۱۲۸ عدد بوده ( یعنی ۴ عدد نبوده ) و بزرگان کلیسا از بین این ۱۲۸ عدد ۴ کتاب را انتخاب کردند .

۷) اناجیل اربعه : نویسندگان اناجیل بر سر ریاست باهم منازعه داشتند و سست ایمان بوده و نه تنها از حضرت مسیح اطاعت نکردند بلکه در شب دستگیری مسیح ، او را تنها گذاشتند .

۸) انجیل متی : حضرت مسیح برخلاف اینکه گفته است که " من نیامدم تا تورات و صحف انبیا را باطل سازم " اکثر دستورات تورات را تغییر داده است .

۹) انجیل متی باب ۱۲ آیه ۳۸ : حضرت عیسی در پاسخ راهبان یهودی که از او نشانه ای می خواستند فحاشی کرد و آنان را زناکار خطاب کرد .

۱۰) انجیل متی باب ۵ آیه ۳۱ و ۳۲ : حضرت عیسی ضمن باطل ساختن حکم تورات بیان کرده است که به غیر از علت زنا از همسر خود جدا نشوید چرا که باعث زنا کردن او خواهید شد

۱۱) انجیل متی باب ۵ آیه ۳۸ : این امر حضرت عیسی که برخلاف قصاص است بیان می کند " با شریر مقاومت نکنید بلکه هرکه بر رخساره راست شما تپانچه ای زد ، دیگری را نیز به سوی او برگردان و اگر کسی خواهد با تو دعوی کند و عبای تو را بگیرد ، قبای خود را نیز به او واگذار "

۱۲) انجیل متی باب ۵ آیه ۴۳ : عیسی (ع) می گوید : شنیده اید که گفته شده است همسایه

خود را محبت نما و با دشمن خود عداوت کن اما من به شما می گویم که دشمنان خود را محبت نمایید .

باید توجه داشته باشیم که بلافاصله پس از به صلیب کشیده شدن مسیح هیچ انجیلی موجود نبوده و نگارش اناجیل منسوب به اواسط قرن اول میلادی و با الهام گرفتن از اندیشه های پولس یهودی بوده است .

\*\*\*

قرآن کریم آیه ای دارد که همه با آن آشنا هستید. درباره خودش اینگونه می فرماید: ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً و نیز مولای متقیان علی ( علیه السلام ) در خطبه اول نهج البلاغه می فرماید: خدا پیامبران را فرستاد ، برای اینکه از انسان، آن میثاقی را که خدا با فطرت انسانی بسته بود طلب کنند ، آمدند تا نعمت فراموش شده ای را که خدا به انسان داده بود، به یادش آورند. اینان آمدند تا گنجینه خرد ، انسان ها را گردگیری کنند.

از این جهت اگر کتابی آمد گفت من کتاب خدایی هستم اما شما مناقضت و مبیانت و تضادی بین مطالب آن و بین خرد و عقل خودتان یافتید، در این که آن کتاب ، کتاب خدا باشد شک کنید .

# بزرگترین درد اجتماع

## محمد چیت ساز

زدست دیده و دل هردو فریاد

هر آنچه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز فولاد

زنم بر دیده تا دل گردد آزاد

و اشتغالات فکری برای خود درست کنیم که افکار باطل، مجال راه یافتن به ذهن ما را نداشته باشد. پس فراموش نفرمایید:

اول ( کنترل چشم - دوم ( کنترل فکر - سوم ( کنترل گوش از شنیدن صداها و سخنان لغو - چهارم ( خودداری نمودن از شوخی های مهیج - پنجم ( قطع همنشینی و رفاقت با افرادی که به وجهی مانع خودداری ما از حیث غرایز جنسی می باشند - ششم ( مراجعه به پزشک - هفتم ( خودداری میل نمودن از غذاهای مهیج - هشتم ( روزه گرفتن و کم خوردن - نهم ( خوردن یک استکان قهوه جوشیده در هر ۲۴ ساعت مفید است.

## اما راه دهم

توجه دارید که این مطلب خیلی مهم است، زیرا همین عوامل فساد است که آدمی را از بهشت جاودان محروم می سازد و به عذاب ابدی دچار می نماید. راه دهم همان حربه و اسلحه ای است که ما را از شر کلیه عوامل فساد مصون می دارد و آن غرق یاد آفریدگار جهان و جهانیان بودن است.

از واضحات است که تمام مومنین گناهکار می دانند که خدای تعالی ناظر تمام کارهای ظاهری و باطنی همه می باشد، پس دانستن تنها کافی نیست و باید اولاً توجه داشته و ثانیاً این توجه نباید قطع شود. برای تحصیل این صفت یک راه بسیار آسان وجود دارد و آن تمرین است.

در ابتدای امر با خود تصمیم بگیریم که روزی یک دقیقه توجه داشته باشیم که دانای آشکار و نهان ناظر تمام کارهای ماست. این روزی یک دقیقه را آنقدر ادامه دهیم تا عادت کنیم، وقتی عادت کردیم یک دقیقه را بکنیم دو دقیقه و همین طور ادامه دهیم تا عادت کنیم و بعد بکنیم سه دقیقه و بدین ترتیب بالا برویم. در اثر توجه روزی می رسد که این توجه هیچ گاه از ما قطع نمی شود، آن وقت است که ما در جهاد اکبر پیروز شده ایم. آری این است رمز پیروزی جهاد اکبر، این است کوتاهترین و آسان ترین راه برای نجات از عذاب ابدی و رسیدن به سلطنت سرمدی. حال اگر کسی اعتنا به این سخنان نکرد به خود ستم کرده و خود را بدبخت دنیا و آخرت نموده است.

## اولین و مهمترین راه کنترل چشم است

اگر چشم خود را کنترل کردیم نود درصد خودداری از غرایض جنسی برای ما آسان می گردد و برای آسان شدن کنترل چشم می توان از راه های ذیل استفاده کرد:

- ۱) خودداری از رفتن به مکان هایی که مناظر شهوت انگیز دارد
- ۲) خودداری از نگاه کردن به عکس ها، فیلم ها و مطالعه مجلات شهوت انگیز
- ۳) در نظر گرفتن مفاسد و فشار ناشی از چشم چرانی ( در تمام مدت عمر از زندگی زناشویی لذت نمی برد )
- ۴) تلقین نمودن فرمان آفریدگار و پناهنده شدن به او ( خدای تعالی خیانت چشم ها و آنچه در سینه پنهان می دارند را می داند. آیه ۱۹ سوره مومن )

راه دوم کنترل فکر است.

وقتی چشم خودداری کرد، خیلی بعید است که افکار شهوت انگیز به ذهن رسوخ کند و باز هم برای تسهیل کنترل فکر آن قدر مطالعات

# صالحان (ع)

## یاران امام زمان

محمد چیت ساز

زمین فرو می رود و حضرت به مکه وارد شده و در نقطه ای نزدیک به کوه صفا یا نقطه ای در اطراف مکه فرود می آیند و پس از چند ماه نفس زکیه ای به نام محمد از طرف امام زمان (ع) مامور می شود تا مردم را برای یاری آن بزرگوار دعوت کند. نفس زکیه در مسجد الحرام و بین رکن و مقام کشته می شود. پانزده شب بعد از کشته شدن نفس زکیه امام قیام خواهد کرد. فاصله پانزده شب و یا فاصله ظهور تا قیام که سه تا چهار ماه طول می کشد ( بنا به روایتی حضرت در شب ۲۳ ماه رمضان ظهور و در روز عاشورا قیام می کنند ) فرصت مناسبی برای جمع شدن یاران امام می باشد .

### اسامی یاران

اصحاب و یاران امام زمان (ع) تعدادشان ۳۱۳ نفر می باشد و با تعداد یاران پیامبر در جنگ بدر برابر است . اصحاب کسانی هستند که امام صادق (ع) آنان را حکام خدا روی زمین می داند و از هر نظری دارای ویژگی های خاصی هستند . یکی از بزرگترین ویژگی آنها این است که اسامیشان و نام شهرهایشان توسط ائمه معرفی شده است . حضرت امیر (ع) در خطبه بیان در کتاب امام مهدی از ولادت تا ظهور آیت ... سید محمد کاظم قزوینی صفحه ۵۸۷ تا ۶۰۰ ، تقریبا ۳۰۰ نفر از آنها را بیان فرموده اند .

### رجعتیون

همان الحشر که ما در قیامت برای افراد داریم ، در زمان ظهور برای یاران امام زمان وجود دارد . رجعتیون به قدرت الهی زنده شده و برای یاری حضرت می شتابند . امام صادق (ع) می فرمایند : « همراه امام عصر (ع) ۲۷ نفر از پشت کوفه ظاهر شده و به حضرت

ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز  
کان سوخته را جان شد و آواز نیامد  
این مدعیان در طلبش بی خبراند  
کانرا که خبر شد خبری باز نیامد

سخن در مورد مهدویت بسیار و در عین حال جذاب است که بیان تمامی آن از حوصله این مقاله خارج است ، لذا در اینجا فقط به ذکر الفاظ پرداخته و شرح آنها را بر عهده پژوهشگران محترم می گزاریم و همچنین نقایص و کاستی های احتمالی مطلب را انکار ننموده بلکه آنرا نشانه بضاعت مزجات خویش دانسته و از این جهت پیشاپیش خود را معذور می دانیم .

امام عصر ( ارواحنا له الفداء ) نیز به مانند تمامی امامان شیعه دارای محبان ، انصار ، اصحاب و شیعیانی می باشند. کسانی که در زمان ظهور ایشان را یاری خواهند کرد همان اصحاب و انصار آن حضرتند . اصحاب که تعداد محدودی هستند بر انصار آن حضرت فضیلت دارند و از بین شیعیان و پیروان واقعی آن بزرگوار انتخاب می شوند .

### ظهور تا قیام

برای حضرت مهدی (ع) ظهوری است و نیز قیامی و همچنین تفاوت است میان ظهور و قیام . حضرت در مدینه منوره ظهور می کند و سپاه سفیانی در تعقیب آن حضرت به مدینه می رسد تا آن حضرت را به شهادت برساند و امام زمان در چنین شرایطی از مدینه به سمت مکه حرکت کرده و ختم پیدا صورت می گیرد و سپاه سفیانی در



می پیوندند ، ۱۵ نفر از آنها از قوم حضرت موسی (ع) هستند که به سوی حق هدایت می کنند و حاکم به حق و عدالت هستند « (کتاب ارشاد شیخ مفید (ره) صفحه ۳۹۹) و مصداق آن آیه قرآن است که می فرماید: « ... وَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ اُمَّةٍ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ

بِهِي يَعْدِلُونَ »

حداکثر پنجاه نفر از زنان هم به یاری امام زمان خواهند آمد که جزء اصحاب نبوده ، بلکه از انصارند . زنان متدینی که با تقوا و متدین هستند و وظیفه ی پرستاری و مداوای بیماران را بر عهده دارند .

هفت نفر از قوم موسی (که همان اصحاب کهف هستند) و عده ای دیگر نظیر یوشع بن نون ، سلمان فارسی ، ابودجانه انصاری ، مقداد و مالک اشتر نیز در خدمت حضرت مهدی (ع) می باشند . بنا به فرموده امام باقر (ع) از پیغمبران هم عده ای از جمله عیسی (ع) ، ادریس (ع) ، خضر (ع) و الیاس (ع) رجعت کرده و در رکاب امام زمان خواهند بود . چهار نفر از فرزندان امام حسن (ع) و چهار نفر از اولاد عقیل (ره) نیز جزء رجعتیون هستند . بنا به قولی عیسی (ع) پشت سر امام زمان نماز می خواند و به عنوان وزیر آن بزرگوار منصوب می شود .

یاران امام زمان افراد خاصی هستند که به ظاهر شناخته نمی شوند و ممکن است روحانی باشند و یا نباشند ، بلکه مهمترین ویژگی آنها صلاحیت و کفایت لازم و توانایی های خوب برای حاکمیت و رسیدگی به امور مردم است چراکه پس از تشکیل حکومت امام عصر (ع) ، هریک از آنان از طرف امام حاکم سرزمینی خواهند شد .

## ویژگی های اصحاب امام زمان (عج)

و این مصداق آیه شریفه قرآن است که می فرماید : «و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الأرض یرثها عبادی الصالحون» یعنی بعد از تورات در زبور داود نوشتیم که حتماً بندگان نیکوکار من وارث زمین خواهند شد. (انبیاء/۱۰۵) امام باقر(ع) می فرماید: مراد این آیه اصحاب مهدی(عج) در آخر الزمان میباشند .

- ۱) دائماً در حال انتظارند
- ۲) با تقوا ، با ورع و کسانی اند که صد درصد از گناه پرهیز می کنند
- ۳) دائماً در حال ایجاد و تقویت محاسن اخلاقی در خود هستند
- ۴) در تمام امور عدالت را محور قرار داده و عادلند
- ۵) عاشوراییند ، از خون اباعبدالله نگذشته و یکی از شعارهایشان یا لثارات الحسین است
- ۶) اعتقاد و اطاعت محض امام زمان
- ۷) قدرت جسمانی

منابع : کتب مهدی موعود ، منتخب الاثر ، معجم الاحادیث امام مهدی ، اثبات الهدی و دلائل الامامه ، بحارالانوار

وَ اٰخِرُ دَعْوَانَا اِنَّ الْحَمْدَ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ  
وَ السَّلَامُ عَلٰى عِبَادِ اللّٰهِ الصّٰلِحِينَ

- ۸) تقیّد به عبادت ، رکوع و سجود طولانی ، مناجات ، شب زنده داری و دائم الذکر بودن ( نه به این معنی که دائماً ذکر می گویند بلکه دائماً به یاد خدا هستند )
- ۹) آرامش خاصی داشته و « .. بذکر الله تطمئن القلوب » هستند ، متانت خاصی داشته و کسی را اذیت نمی کنند
- ۱۰) دارای قلبی قوی ( از نظر معنوی ) و به دور از ترس هستند

- ۱۱) متواضع بوده و مهربان نسبت به مردم
- ۱۲) در عشق و محبت پروردگار ذوب شده اند

۱۳) منظم اند

- ۱۴) سیاستمدار ، کاردان و مدیران موفقی هستند ( با مدرک قلابی و رابطه مدیر نخواهند شد )



مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ وَ لَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمَسْكِينِ وَ كُنَّا نَحْوُصُّ  
مَعَ الْخَائِضِينَ

(از دوزخیان پرسیده می شود: ) چه چیزی شما رو در آتش دوزخ انداخت ؟  
گویند ما از نماز گزاران نبودیم ، بینوایان را غذا نمی دادیم و با اهل باطل به  
بطالت می نشستیم .  
(مُدَّثِرَ ۴۲-۴۵)

